



سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

سازمان کارگران انقلابی ایران

شماره ۴۵
۱۳۶۵
inManner
شماره ۶۰ ریال

سال سوم نیمه دوم خرداد ۱۳۶۸

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

انتخاب خامنه‌ای انتخاب بحران

چند ساعت بعد از مرگ خمینی مجلس خبرگساران
نقها، خامنه‌ای را بعنوان رهبر حکومت اسلامی و
"ولی فقیه" انتخاب کرد. آقایان در بوق و کرنسا
دمیدن که سرعت انتخاب رهبر "نشاندهنده قدرت
آنهاست. اما بیجا ره‌ها خود نیز برگزیده خود می‌سند -
خندند و میدادند که این انتخاب بحران است که "توله"
نحیفی ما نندها منهای را بجای یک کله قلچماقی
مثل خمینی می‌نشانند.

شدت بحران بعدی است که حضرات فرصت آنرا
نیافتند که ابتدا تغییرات قانون اساسی را از مجاری
قانونی خود بتصویب رسانند و سپس به اجرا گذارند.

قانون اساسی و شروط آن در باره رهبری نظام
از جمله شرط مرجعیت تقلید برای رهبری - را قبل
از زرفرا نمودن نقض کرده و مجاز کرده اند؛ یعنی در
حقیقت انقلاب ننوده اند و این، آن گفته درخشان
ما رکن را بیاد می‌آورد که در شرایط بحران، ضد -
انقلاب نیز خود انقلاب است چرا که دیگر بشیوه قانونی
عمل نمی‌کنند و هر قانونی را برای حفظ و بقای
خود زیر پا می‌گذارند. آنها که متوجه اقدام خود
هستند برای لاپوشانی آن وعادی جلوه دادند و
نامهای از خمینی ما در می‌کنند که خطاب به
در صفحه ۳

**اطلاعیه دبیرخانه
کمیته مرکزی**
رژیم هر تدارک
قتل عام دیگری هر زمان است
در صفحه ۳

تقویت نظامی

در اساس برنامه‌های دولت

اعدام، قصاص و تعزیر

همچنان ادا می‌دارد

در صفحه ۴

بیگانگی با مفهوم "بازی"
در صفحه ۵

روزهای حساس بعد از مرگ خمینی

رسمی او و متعلق شدن قانون اساسی نقض شده است -
اینکه می‌گوئیم "برکناری رسمی منتظری" بمعنایی
آنست که این ماجرا هنوز به سرانجام قطعی خود
نرسیده است. اگرچه منتظری دیگر امکانات فعالیت
گذشته را ندارد اما حاکمان در مصدودند تا با ادا مه
مبارزه با او هرگونه شانس و امکان سر بلند کردنش
راهی هنوز وجود دارد بگیریند. به همین دلیل
نام سرگشته‌ها احمد خمینی به او بعنوان زمینه سازی
برای چنین امری منتشر شد. در جریان حذف منتظری
و شدت گرفتن تناقضات بین وظایف رئیس جمهور و
نخست وزیر، که نوعی انعکاس اختلافات بی -
جناحهای حکومتی است، ساختار حکومتی فقها زیر
سوال رفته و نیازمند تجدید سازمان شد. چرا که بدون
منتظری دیگر "ولایت فقیه" کمی از مراجع تقلید را
نمی‌یافت که "تاج" را آنطور که فقها حاکم می‌خواهند
بر سر گذارند. لذا قانون اساسی با بدینجوی تغییر
میکرد که شرط "رهبری" شامل حال برخی آخوندهای درجه
در صفحه ۲

بالاخره مردم مستم کشیده ایران خبری را که
مدتها منتظرش بودند شنیدند. مردی که منظرش
سیا هیهای حاکم بر کشور بود دیگر رفت و با مرگ خود
چاه میدها که در میان مردم رنج دیده و همه از او خواهان
ایران تقویت نکرد. چرا که نقش کلیدی او بعنوان
"رهبر" در رژیم بحرانی نقی بی گفتگوروشن بود. در این
رژیم که دا شما در تناقضات و درگیرها دست و پا
میزند، نقش او با هیچ مکاشم دیگری قابل قساس
نیود. اما بویژه مرگ خمینی در اوضاع و احوال
معینی که حکومت در آن بسر میبرد حاوی تا مل دارد.
رژیم فقها از ابتدا با مسئله درگیریهای درونی
روبرو بوده و هر بار با تحمل صدمات و سختی فراوان از
تندپنجه گذر کرده است. در زمان کنونی و همزمان
با مرگ خمینی این رژیم با یکی از شدیدترین و
مهمترین این نوع درگیریها مواجه بوده است. این
درگیری در بالاترین نقطه دستگا حکومتی که علیه
منتظری سازمان داده شد، تاکنون منجر به کنا رزیدن

اطلاعیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
به مناسبت مرگ خمینی
در صفحه ۲

اعتیاد در آلمان

در صفحه ۹

ادبیات مترقی در سوئد و معرفی یک نویسنده

در صفحه ۱۰

حمله فاشیستها

به خوابگاه پناهندگان

در صفحه ۸

انتخابات لهستان

در صفحه ۷

خود افساگری فقها در حاشیه نامه احمد خمینی به منتظری

چندی پیش مهدی کروبی، نا شب رئیس مجلس
رژیم اعلام نمود که در رابطه با علل برکناری منتظری
"جزوای بسیار مستدل، منطقی، مدلل، مستند به
اسناد و مدارک لازم به قلم حاج احمد آقا نوشته شده که
منتشر میگردد". چند روز پس از اعلام این خبر جزوای
در صدویا زده صفحه توسط احمد خمینی منتشر گردید
و روزنامه‌های رژیم تیز به چاپ آن مبارزت کردند.
این کتاب بشکل نامه‌ای خطاب به منتظری و در
اصل برای افشای وی نوشته شده ولی در حقیقت چپی
نیست جز خود افساگری رژیم.

در صفحه ۴

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!



اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به مناسبت
مرگ خمینی

گرگران و زحمتکشان ایران! رفقای عضو و هوادار سازمان! نیروها و فعالین انقلابی!

خبر مرگ خمینی را که یکبار شما سالها در انتظار آن بودید، به شما شاد باش می‌گوئیم! این سرت بخت ترین خبری است که در طول دهسال اخیر به مردم ایران داده شده است! این سرت بخت ترین خبر در دهسال اخیر است، زیرا خمینی، یک انقلاب بی نظیر توده ای را که با امیدهای بزرگ، رنجهای عظیم و ده ها هزار شهید به سرنگوم رژیم وابسته سلطنتی منجر شده بود، به بیراهه کشانید و به اهداف آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم خیانت کرد! زیر خمینی خشن ترین دستگاه اختناق و سرکوب را بر مردم انقلابی ستولی کرد! زیرا خمینی دستگاه استعمار و جاپاول مرد محروم و زحمتکش را مازساری کرد، نظام بردگی برای سرمایه و سرمایه داران را احیا کرد! فاصله طبقاتی را افزایش داد! خمینی با پافشاری دیوانه وار بر تناوم بیپایان جنگ ارتجاعی ۸ ساله، به هر گونه خواست و صالح و نیازهای مردم بی اعتنائی کرد! با حفظ نظام سرمایه داری و اصرار بر جنگ، فقر و فاقه و بیکاری، آوارگی و اعتیاد و فحشا را در سراسر جامعه گسترش داد، کشور را به خاکستر تبدیل کرد، مردم را به خالک سیاه نشانده، ثروتهای انسانی و مادی و فرهنگی کشور را که میبایست صرف رفاه و تامین زندگی مردم کارگر و زحمتکش و صرف ترقی و پیشرفت کشور میشد، بر باد داد و ایران را قرنیها به فقر آورد. خمینی نیمی از جمعیت کشور، یعنی زنان را از هر گونه حقوق انسانی محروم کرد و ظالمانه ترین تبعیضات را به خشن ترین شکلی در باره آنان به اجرا گذاشت. خمینی ستم ملی بر خلقهای ایران را به بیرحمانه ترین شکلی تشییع کرد و خلقهای کرد، ترکمن و عرب ساکن ایران را به خاک و خون کشاند. خمینی جوانان ایران را که سرمایه های آینده کشیوند، نیمی قربانی جنگ احمقانه و ارتجاعی کشید و نیم دیگر را از هر گونه تامین آینده و چشم انداز امید بخش محروم ساخت. خمینی بزرگترین جلاد عصر، و بیرحم ترین کشتار کننده مردم ایران بود که در دهساله حکومت شوم و منحوس خود، چندین برابر تمام دیوان سلطنت شاهان آلمنک قاجار و پهلوی از مردم ستم کشیده ایران را از دم تیغ گذراند. خمینی تنها گورستانها را آباد کرد! زندانها را گسترش داد، شکنجه فرزندان آزاده و رزمنه خلق را رسمیت، تنوع و گسترش داد! صدها هزار نفر را در بند کرد، دهها هزار نفر را در زیر شکنجههای سمانه و در میخانههای تیر و در سلول زندانها به شهادت رساند! خمینی با خسونت و وحشیت تمام شخما فرمان قتل عام هزاران زندانی سیاسی را در زندان های ایران صادر کرد و با این حیوانی ترین اقدام بی سابقه در تاریخ، نه تنها خشم و انزجار مردم ایران، بلکه مردم سراسر جهان را به اوج خود رساند.

خمینی برگرایی و بیرحم ترین دشمن مردم ایران بود و به همین دلیل، مرگ او سرت بخت ترین خبر دهساله اخیر برای مردم ایران است.
مرگ خمینی به خودی خود بمعنی پایان کار رژیم نیست که توسط او پایه گذاری و تا کنون رهبری شده است. اما فروپاشی این رژیم لرزان و تکه تکه، امریست که در آن جای تردید نیست. خمینی شیرازه رژیم جمهوری اسلامی و تنها نقطه وحدت جناحهای متخاصم برونی آن بود. با مرگ خمینی، این شیرازه از هم پاشیده و این نقطه وحدت از میان رفته است. مرگ خمینی در شرایطی اتفاق افتاده است که رژیم جمهوری اسلامی با عمیقترین بحران اقتصادی و سیاسی تمام طول حیات خود دست به گریبان است، و هیچ فرد ذی نفوذی که بتواند بر تخصصات و رقابتهای حاد جناحهای رژیم فائق آید وجود ندارد. سران رژیم در عین حال که با مرگ خمینی قدم در شدیدترین و بیسابقه ترین مرحله از رقابتهای کشاکش و خصومتها بین خود میگذارند، در لحظه حاضر بمنظور پیشگیری از انفجار یک خیزش توده ای، از یکطرف بر سر حفظ یک اتحاد صوری و آتش بس ظاهری با هم کنار میآیند و از طرف دیگر از منتهای قبل با پیش بینی مرگ خمینی، نیروهای مسلح، یعنی سپاه، ارتش، کمیتهها، بسیج و گروههای ضربت را در سرتاسر کشور برای سرکوب قاطعانه و برق آسای هر حرکت منفرد و جدا از حرکات توده ای مردم و به خاک و خون کشاندن آن برای زهر جسم

روزهای حساس
بعد از مرگ خمینی

چندم که قدرتمندان سیاسی مملکت هستند نیرشود، از طرف دیگر برای بیرون آمدن از بحران عمیقی که سراپای جامعه را فرا گرفته و مقابله با شناسندت فلاکت کده با لاترین حد خود رسیده، حکومت نیاز به یکپارچه کردن اراده در تصمیم گیری و اجرا از زمین بردن فلج کنونی دستگاه دولت، بیش از هر زمان دیگر دارد. یکی کردن وظائف رئیس جمهور و نخست وزیر و حذف دومی در این جهت است، که هدف فاکتورل کردن جناح با صلاح تندرو را هم در بطن خود دارد. مجموعه این موانع و مشکلات چشم انداز زبیم حلال آنهاست، که فقدان خمینی را در این مقطع برای حکومتگران چون یک فاجعه می نماید.

نبوده خمینی در شرایط کنونی با عکس شکنندگی هر چه بیشتر حکومت میشود اما این معادل ساقط شدن خود بخود آن نیست، بلکه با پیشروی فعل و انفعالات درونی حکومت و ناتوانی آنها در پاسخ به وضعیت فلاکت با زندگی مردم، شرایط بنحوی - سابقه ای برای تاثیر گذاری از جانب نیروهای اپوزیسیون مساعده میشود. بهمین دلیل است که با دیدن از هر زمان با احساسیت به مسائل برخورد کرد و با فراهم آوردن مقدمات و آماده سازی لازم توان تاثیر گذاری بر سر پروریدها را یافت. اگر نیروهای انقلابی و دمکرات و همه آتانی که از موضع دمکراسی علیه حکومت فقها مبارزه میکنند حساسیت اوضاع را در دنیا فته و مهمتر از آن در صدها همکاری و همراهی برای تاثیر گذاری قاطع در سرتوشت جامعه برنیا بند با فقها موفق به عبور از این تند پیج خطرناک میشوند و با آنکه آلترنا تیوهای سلطنتی ویا مجاهدین که هر یک بنوعی تکراروتداوم تمامی مصائب و رنجهای کنونی مردم میهنمان را با عکس میشوند، در صحنه فعال خواهند بود.

علاوه بر وظیفه همکاری و همراهی و تلاش در راه بوجود آوردن قطبی که سازمانگرو متحدکننده مبارزات توده ها شود و در خارج از کشور نیز چنین وظیفه ای به طور عاجل پیش روی ماست، تلاشهای معبسن و هماهنگ در جهت آماده سازی زمینه مبارزه علیه اقدامات رژیم مطرح هستند. بیش از گذشته با بسند نسبت به وقایع درون کشور حساس بود و با انواع

و اقسام کانالیهای ارتباطی همه نوع اخبار را بسند دست آورده و در اختیار سازمان قرار دهیم. باتوجهاتی که این روزها دستگاههای ارتباط جمعی غربی در صدد ایجادان هستند مبنی بر آنکه با مردن خمینی امکان دمکراتیزه شدن رژیم اسلامی وجود دارد، در هر کجا مبارزه کنیم، در تماس با نیروها، محافل، رسانه ها و مردم کشورهای میزبان از طریق افشای ماهیت این رژیم و تحلیل وضعیت آن که طرفیست رفرم سیاسی را از آن سلب میکنند افکار عمومی را در پشتیبانی از مبارزات مردم کشور بسیج کنیم. خصوصا

سوزگون باد
جمهوری اسلامی!

با بدبا حساسیت بیشتری نسبت به وضع باقیمانده زندانیا ن سیاسی برخوردار کرده و آماده دگی برای جلوگیری از قتل عام آنها را ایجاد کرد. چرا که رژیم فقها هر بار که در موقعیت ضعف و خطر قرار میگیرد، بیوش به زندانیا ن و کشتار آنها را انجام میدهد. تسهلا و خواست قلبی مارادایر بر تحریم رژیم اسلامی و اعمال فشار همه جانبه از طرف دولتهای مختلف به آن نیز در مقطع کنونی مطرح بوده و به مناسبتهای مختلف می باید عنوان شود.

انتخاب خامنه‌ای انتخاب بحران

مشکینی، رئیس خبرگان، گفته است که برای رهبری، شرط مرجعیت تقلید لازم نیست و این نام‌ها را رفسنجانی با آب و تاب تمام در اولین نماز جمعه بعد از مرگ خمینی خواند.

اگر بحران با همه شدت خود به آخوندهای حاکم فتنه آورد تا از کیسه تهی خود خا منهای رابیرون آورد و بر سرش تاج گذارد تا ما برسیدنی است که آیا این انتخاب و تا جگذا ری کار کشای بحران هست؟ خا منهای کسی است که در نقش یکی از سخنگویان اصلی خط بازسازی جناح حاکم پیش از دیگران مورد حمله جناح تندرو حکومت بوده است و حتی یکبار در جریان گسترش اختیارات دولت از جا نسیب خمینی بصورت نامحدود کردن اختیارات حکومتی، شغله‌نا جوربا ز کرد و ادعا نمود که همه احکام با بسند در چهار چوب احکام اسلام باشد، یعنی احکام مدافع از مالکیت خصوصی، با این دلیل مورد سرزنش و عتاب

آشکارا خمینی قرار گرفت و خمینی او را متهم کرد که حرفش را نفهمیده و تحریف کرده است و خا منهای مجبور به توبه شد. این چنین مردی که تا چند ماه پیش رفسنجانی را بعنوان شایسته‌ترین و قویترین فرد در دستگاه حکومتی معرفی میکرد و او را برای جانشینی فرمانده کل قوا پیشنهاد کرده و مردی که در میان آخوندهای "گوتوله" همطرازش هیچ مزیت و برتری ندارد، آیا صرفا با دریا فت یک لقب آیت الله "که از روزا نتخابش به او اعطا شده قادر است بر این گله‌گرگها حکم براند و در عین حال جلوی دعاوی مراجع تقلید بزرگ شیعه و منتظری که در مقابل خود خمینی هم حرفها داشتند را بگیرد تا خواب آرام او و مثال رفسنجانی را آشفته نکنند؟ آیا او میتواند جلوی دست و دهان خط اما میهای دوآته که مخالف خط بازسازی او و رفسنجانی هستند را بگیرد؟ یعنی کسانی که حی و حاضر طبقه‌ای آنچنانی در عدم موافقت با حذف پست نخست‌وزیری و کاهش قدرت مجلس و زدیا قدرت رئیس جمهوری، یعنی کسی که قدرت جناح آنها و پیشروی و تحکیم راه‌ده جناح رقیب میکنند آیا او قادر است در میان جناحها و گروهها و دستجات و طبقات ما نورهای خمینی را بدهد و بسا فقط کار ریکا توری است از "ولایت فقیه" و دل‌تکسی در پوست شیر!

نماینده مولایا تجدید نظر در قانون اساسی مخالفت وجود این تعداد مخالف باعث گشت که طرح دوفوریتی رفراندوم قانون اساسی در هفته گذشته رای لازم را نیاورد. هاشمی رفسنجانی بعنوان کسی که بیش از همه بمشما به رئیس جمهوری آینده از این طرح سود خواهد برد، سعی فراوان نمود تا همزمان با رای گیری برای رئیس جمهور، این طرح را نیز با سطو اصلاح به تصویب مجلس مردم برساند. ولی با آنچه در مجلس گذشت، در آینده‌ها هدرگیری‌های بیشتری در ایسن زمینه‌ها پدیدود.

گرفتن از توده‌های مردم آماده گرداند. اما نه سازش ظاهری و صلحتی این گرگان تشنه به خون هم میتواند نری بیاید و نه فضای رعب و وحشتی که با اعلام آمادگی برای سرکوب می‌خواهند بر مردم مستولی کنند. خمینی در زمان حیات خود و با اقتدار منحصر بفرود خود دیگر قادر به حفظ وحدت بین جناحها نبود و اختلافات و شکاف تا راس هرم ولایت فقیه و تا خلع و طرد منتظری به پیش رفته بود. ترمیدی نمیتوان داشت که با مرگ خمینی این تضادها و روند مروپاشی رژیم شدت خواهد گرفت. این روند هر چند که زیر ماسک اتحاد و سازش ظاهری و صلحتی و ایجاد فضای رعب و سرکوب برای منتهی‌یوشانته شود، چند ماهی نخواهد گذشت که با تمام اسعاد خود را ظاهر خواهد کرد و غیر قابل مهار خواهد بود. درست در آن زمان که این گرگان گرسنه به جان هم افتند و - آن روز شاید دور نماند - فضای تفرقه توده‌ای به ساعتین موقعیت برای نبرد رو در رو و خیزش برای پایان دادن به حیات رو به زوال این رژیم جهانی تبدیل خواهد شد. با مرگ خمینی، دوران بسیج و آمادگی نیروهای انقلابی و توده‌های مردم جهت یک نبرد قاطع و نهائی با دشمن حاکم، به مرحله اصلی و سرنوشت‌ساز رسیده است. تمام نیروهای انقلابی و تمامی اقشار انقلابی و دمکرات مردم بویژه کارگران و زحمتکشان، کمونیستها و سازمانهای انقلابی چپ باید برای ایفای نقش حیاتی خود در این مرحله سرنوشت‌ساز، حداکثر تدارک و آمادگی را فراهم آورند. سازمانها و نیروهای انقلابی و فعالین سیاسی باید ضمن بالاترین درجه از هشیاری نسبت به تدارکات سرگورگانه رژیم زخم خورده در مقطع فعلی، با نهایت دقت تمام حوادث سیاسی در کشور و در بیرون خود را زیر نظر داشته، آماده مداخله بموقع و موثر در حوادث و حرکات باشند؛ خود را از توده‌ها جدا نکنند و آماده سازماندهی حرکات توده‌ای باشند. تنها با تکیه بر نیروی مقاومت توده‌ای است که میتوان نیروی سرکوب رژیم را به عقب راند به تدافع انناخت و بحران سیاسی رژیم را به نا توانی حکومت در کنترل اوضاع و اداره کشور سوق داد. این حقیقت را تجربه مشت انقلاب ۵۷، و تجربه ضعیفی و فاجعه بار ۳۰ خرداد ۶۰ به اثبات رسانده است.

زخم خورندگی رژیم‌ها از مرگ خمینی و وحشت از خیزش مردم و نیاز حیاتی اش به ایجاد وحشت و خفقان در سراسر کشور، جان باقیمانده زندانیان سیاسی را که شامل قتل عام اخیر در زندان‌های ایران نشاندند، و همچنین امنیت و زندگی آزاد شکنان از زندانهای سیاسی را بطور جدی در معرض خطر قرار میدهد. در این رابطه، دفاع از جان زندانیان سیاسی و امنیت و زندگی زندانیان آزاد شده، وظیفه بسیار حساس و خطیر تمامی توندها، احزاب، سازمانها و نیروهای سیاسی است؛ دفاعی که باید از یکسو از طریق تکیه بر قدرت مقاومت توده‌ای در ناخ، و تلاشی گسترده و هشدار دهنده در عرصه بین‌المللی صورت گیرد.

اوضاع بحرانی و حساس کشور و گشایش مرحله آمادگی برای نبرد نهائی با رژیم بی‌ثبات جمهوری اسلامی، در عین حال بیش از هر زمان نگر ضرورت همکاری و اتحاد عمل میان احزاب، سازمانها و نیروهای انقلابی و دمکرات را طلبه رژیم و در جهت ضروی ساختن هر چه بیشتر احزاب و نیروهای مترجع و ضد انقلابی چون سلطنت‌طلبان و مجاهدین که برنامه خود را بر پائی یک استبداد سیاه دیگر قرار ناننند ایجاد میکند. کوتاهی در نردک این ضرورت حیاتی، بجز کک ناخواسته به رژیم برای انجام دادن به خود، ویا کک ناخواسته به بهره‌برناری دیگر رقبای مترجع و ضد مردمی رژیم از آشفته‌گی اوضاع، نتیجه دیگری نخواهد داشت.

رقبای عضو و هوادار سازمان در سراسر کشور موظفند با هشیاری تمام گوش بزرگ حوادث باشند، هر اقدام و حرکتی را با ارزیابی کاملا سنجیده و رعایت موازین امنیتی و در پیوند مستقیم با حرکات توده‌ای سازمان نهند؛ حداکثر آمادگی را برای مداخله در حوادث به نفع بحرکت در آندن توده‌ها بوجود آورند. حوادث و رویدادهای کشور و اتفاقات محیط بیرونی خود را از تهیدات سرگورگانه رژیم گرفته تا روحیات و نظرات کارگران و زحمتکشان و از حوادث ریز تا حوادث درشت را سریعاً و با دقت تمام به رهبری سازمان گزارش کنند؛ و بطور منظم و روزانه به رادیوی صناعی کارگر گوش نده و در جریان سیاستها، تاکتیکها، رهنمودها و پیامهای مرکزی سازمان قرار گیرند.

سرتگون باد جمهوری اسلامی - بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۲ خرداد ۱۳۶۸

حذف پست نخست‌وزیری

هما‌نطور که پیش‌بینی میشد شورای بازنگری قانون اساسی به این نتیجه رسید که "بمنظور ایجاد تمرکز در مدیریت قوه مجریه" پست نخست‌وزیری را حذف و اختیارات او را به رئیس‌جمهور واگذار کند. این مطلب را مشکینی، رئیس هیات بازنگری در نماز جمعه قم مطرح نمود، و همچنین گفت که تعدادی از اعضاء هیئت با این نظر مخالفند ولی اکثریت به آن رای مثبت داده است.

لازم به ذکر است که در مجلس رژیم بیش از صد

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

تقویت نظامی

در راهس برنامهای دولت

● دولت جمهوری اسلامی با اعلام برنامهم پنجساله خویش، مطرح نمود که تقویت قوای نظامی برای رژیم از اولویت ویژه ای برخوردار است. وزیر برنامهم و بودجه رژیم در این مورد خیلی ساده به خبرنگاران گفت که برای آنان، این مسئله که "منابع را صرفا به سمت اهداف اقتصادی هدایت کنیم، در سه سال آینده مقدور نیست و با یستی که توان دفاعی کشور تقویت شود، "هاشمی رفسنجانی نیز در سال بیژ آزادی خرمشهر برای این مسئله تاکید نمود. در تهران طوسی نظا هراتی، بهمنی خاطر را همیشه با این ضمن قطعنامه ای از جمله "تقویت بنیه دفاعی را خواستار رگشتمند. در مجلس رژیم هم تعدادی از نمایندگان برای این امر اصرار داشتند.

با این زمینه ما زیبا بود که خامنه ای قرارداد خرید اسلحه از چین و کره شمالی را امضاء نمود و در داخل کشور اسلحه و مهمات سازی روز به روز بیشتر گسترش می یابد تا جمهوری اسلامی بیش از پیش خود را به انواع سلاح مجهز کند. امری که هیچ پشتوانه ای جز فقر، بدبختی، گرانمی، مرگ و میر، عدم بهداشت، درمان و... ندارد. امری که بیجا و تاوانش را رژیم فقها از جیب خلق می بخشد.

اعدام، قصاص و تعزیر

همچنان اعدامها در

● موج جدیدی از اعدامها که طی چند ماه گذشته به بیانه مبارزه با مواد مخدر شروع گشته، همچنان ادامه دارد. طی چند هفته اخیر نیز بیش از صد نفر در این ربطه اعدام شده اند. طبق آمار رژیم تا کنون اعدامها را در این زمینه به مرز ۷۰۰ نفر رسیده است.

از صفحه ۱ خود افشاگری فقها

برکناری منتظری که در چهار چوب بحرانهای حکومتی رژیم مطرح است، از مهمترین وقایع کشور طی چند ساله اخیر میباشد. اسناد چاپ شده، هرچند شکل ناقص دارند ولی از بسیاری از جنایات رژیم پرده برمیدارند و در این راستا قابل شمعند. در ابتهای نوشته ها، نامه های از خمینی خطاب به مجلسیان و دیگر مسئولین مملکتی چاپ گردیده که طی آن خمینی اعلام میدارد "با دلی پر خون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام اسلام کفایت گذارم". نامه احمد خمینی مبتنی است بر نقل قولهای از مهدی هاشمی در باره جویشهای وی و شخص منتظری در نامه های که برای خمینی ارسال داشته است. در قسمتهای از این نامه از جمله آمده است: در نامه بتاریخ ۶۵/۷/۱۷ از منتظری خطاب به خمینی نقل است که "میگویند اگر این صحبتها نبود، معلوم نبود چه میشد و عکس العمل مردم در برابر کجی ها و بی عدالتی ها که می بینند چه بود. آیا میدانید در بعضی از زندانها حتی از نور روز هم برای زندانی دریغ داشتند آن هم نه یک روز و دو روز بلکه ماها، قطعا به حضرت عالی خواهند گفت اینها

اعدامهای چند روز گذشته عبارتند از: دوم خرداد ۱۰ نفر، در همدان و کرمان. شش خرداد دوازده نفر در تبریز، در ماه عام. هفت خرداد ۲۳ نفر از جمله چهار زن در تهران و تعدادی دیگر در شهرهای شیراز، مرو، دشت، کازرون و فسا. ۸ خرداد ۲۴ نفر در شهرهای اصفهان، رشت، اراک و... در همین زمان ۲۰ نفر دیگر نیز از قاچاقچیان در درگیری کشته شده اند. در طی چند روز اخیر همچنین در بجنورد شخصی را به جرم "تجاوز به عنف" ابتدا ۷۴ ضربه شلاق و سپس اعدام کردند. در زندان قصر نیزه تن دیگر را در اجرای حکم قصابی به دار آویختند. در ماه مهر هم یک جوان به جرم "زنا ی محصنه" طلق آویز گردید و در ورزشگاه تختی نیشا بورزنی را به جرم "فحشا" سنگسار نمودند.

اعدامها در این زمینه همچنان ادامه دارد و طبیعی است که با درماندگی رژیم روز به روز ابعاد وسیعتری یابد. ارتجاع فقهی جزا اعدام، هیچ "چاره اماسی" دیگری برای از بین بردن اعتیاد، فحشا و فقر نمی شناسد.

تلاش رژیم

برای دستیابی به سلاح شیمیایی

● سخنگوی وزارت خارجه، سوئیس اعلام کرد که دولت سوئیس از شرکت

مقاطعه کار مستقر در زوریخ خواسته است که از طرح تولید گاز زسی در ایران خارج شود. او گفت "این به نفع سوئیس نیست که دانشتهای این دانشته در گسترش سلاحهای شیمیایی شرکت نماید" آقای Weber مدیر شرکت گفت که بزیرا شرکتی بنا نمیشود تهران قرار دادی منعقد نموده است که بموجب آن طرحهای یک کارخانه تولید کننده بنتا سولفید فسفور را تهیه نماید. این ماده برای تولید مواد حشره کش و آفات کشی نیز بکار میرود.

نقیدی از ظرفیت کارخانه ها

راکداست

● خیابان رئیس کل مرکز توسعه صادرات کشور در محله با مطبوعات رژیم اعلام نمود که نیمی از ظرفیت کارخانه های کشور بعلت کمبود ارز اکتفا است. او گفت که طی سال گذشته از محل صادرات غیر نفتی، رژیم موفق شده است ۹۶ میلیون دلار ارز وارد کشور کند و این به نسبت سال گذشته که هشت شانزده میلیارد است، یعنی ۷۰ درصد ظرفیت این کارخانه ها خالی است. او این مقدار ظرفیت خالی را در نرخ لایحون ۵۰ سیما برتلسند ۳۱، بود در رختشویی و روغن نیشا ۲۵ و کوکروس ۶۸ درصد اعلام داشت.

از زبان آمار

کلا بیست و یک میلیون و سه هزار و ۵۴۵ نفر جمعیت کشور افزوده شده است. در طول این مدت یک میلیون و نهصد و نه هزار و چهار نفر به علل مختلف مرده اند. در این فاصله همچنین سه میلیون و ۵۴۱۰۲۶ مورد ازدواج صورت گرفته و ۳۱۲۶۹۰ زوج ایرانی جدا شده اند.

— مصرف دارو از ۲۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به ۱۰۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ افزایش داشته است. طبق پیش بینی های رژیم این مقدار طی ده سال آینده به ۳۵۰ میلیارد ریال بالغ خواهد شد.

— طبق اقرار رژیم برای ۵۰ میلیون ایرانی تنها یک مرکز پزشکی وجود دارد که برای جراحی با بیادنا سه سال در نوبت بود و قیمت یک عمل جراحی چشم بالغ بر ۷۰ هزار تومان است.

هستند جنایتکاران؟ در تاریخ ۶۷/۷/۹ نامه ای برای آقای نخست وزیر نوشید توسط افراد با تقوی منزلتان منتشر شد. این نامه پراست از بیادنیها. حال با چه توانی؟... در این نامه آورده آید: ... روزگتیر... های تند هم به اشتباه خود اوقف شده اند با ید مسئولین تنگ نظرو سختگیرویی اعتنا به مردم ما را تعویض شوند... اطلاعات وسیع، کمیته و دستا نیها و باز... جوها و مثالهم در روش خود با ید تمبید نظر کنند و ...

احمد خمینی ادا نمیدهد که... اگر تندی نامه متاثران ساخته است خود را جای امام بگذارد و آنوقت کمی فکر کنید که خدا را خوش می آید تا شما برای دلخوشی چند لیبیرال و منافق بپروردی زنده دل والهی که همه عمرش را صرفا اعلام کلمه الله کرده است آدم کش و مخصوما زنا بجه دارکش معرفی کرده باشید... در پایان این نامه احمد خمینی از منتظری میخواهد که "در مسائل مستقل باشد و هر چه را به شما میگویند قبول نکنید چه رسد به اینکه بنویسید". و بدینسان رژیم آخوندها مهترانه شیدی میزنند بر پرورنده جنایات خویش.

دروغ است و فلاتی ساده اندیش است... آیا می دانید در جمهوری اسلامی برخلاف آنچه در فقه خوانده اند، منته جان مسلمان محترم است نه مال او".

منتظری با اشاره به فاجعه مراسم سال ۶۶، در نامه متذکر میگردد که "آنان در سپاه اینکا وظل را کرده اند و در وقت حج آبرویمان را برده اند...". این نامه منتظری که چهار روز پس از دستگیری مهدی هاشمی نوشته شده در اصل اعتراضی تیزبیه این عمل را در خود دارد.

احمد خمینی در نامه خویش به نامه های دیگران منتظری اشاره میکند که برای امام نوشته شده و در قسمتی از آن آمده است "شنیده شده فرموده آید فلاتی مرا شاه و اطلاعات مرا شاه و اک شاه فرض کرده است. البته حضرت عالی را شاه فرض نمی کنم ولی جنایات اطلاعات شما و زندانهای شما روی شاه و ما و اک را سفید کرده است. من این جمله را با اطلاع دقیق میگویم".

احمد خمینی در ارتباط با نامه های دیگر می نویسد: "بحث من این است که چرا همیشه کسانی که از منافقین و لیبیرالها دفاع میکنند مورد دفاع شما هستند ولی کسانی که از اولیا انقلاب و امام بوده و

بیگانه با مفهوم "بازی"

بوسه های مرگ بلک ها یث بیکیگر، همرا؛ با ناله ط
وخن خس سرگردان در قفسی سینه استخوانی اش ،
سوگ آوای مرثیه ای تراچه که زیباست ، مینمود .
نگاه ها و معصومیت موجا موج درون شان آتش به میان
رگ ها و سینه ای آدمی میریخت و تلخ ترین حس ها را
زیر پوست میداوند .

"میدوشی ، ما چن سرا نله هستیم ، گه یکی مون
خونه نشین بشه ، بقیه با یدجور شو بگشن ، تازه پسای
"گوره جهنم" افا فه کاری هم نمیشه کرد ، لا خودم حورشو
میکشیدم ، آخه کدوم سگ پدري پیدا میشه که بتونه خودش
جورزن و بچه شو بکشه ، ما ایتکا ررونکته ، اونم یسه
همچی وقتی که جیگر گوشش جلوی چشمش پرپر بزنه" ،
فردای همان روز ، غلام برای کار به کوره پزخانه
برده شد . مش اسمال ، به تلخی رضایت داده بود ، آن
روز غلام فقط ۱۰۰۰ قالب ، به حیاط کوره پزخانه
کشیده بود . لقمه ناننی نیز از بقیه ی صبحانه اش و نیز
تکه ای از نان ها را به غلام داد ، اما غلام ششای سی
برای خوردن نشان نداده بود . از سرب صبح کسه
از خانه بیرون آمده بود ، ضعف وجودش را بر کرده بود .
گاه آنقدر سرگیجه اش شدت میگرفت که تا راه رفتن
را از او میر بود . در طول راه چندین بار به دیوار تکیه
زد تا سرگیجه اش آرا م بگیرد . مش اسمال چندبار قصد
کرده و آرا بر گول خود بنشاند و بسوی کوره پزخانه
بکشد ، اما غلام رضی نمی شد . آنروز تا دم مای غروب
مش اسمال چندین بار به غلام "سرزد" و غلام نیز هر بار
که پدر را میدید تلاش میکرد تا خود را سر حال نشان
دهد ، اما مگر میشد !

غروب دلنگ و تیره ی کوره پزخانه ، که هنوز
تا ریگی از پس سرخی آفتاب بر نیا مده بود ، ضعف و
حسی غریب در وجود پدر در غلام ریخت . سرگیجه اش امانش
را بریده بود ، چشمها دیگر سوی دیدن نداشته و زانو ها
نیز تا بت تحمل بیکر رنجور و تکیه اش را .

سرفه با سرگیجه در هم آمیخت و غشیا نی تلخ با
طعمی آشنا از گلویش بیرون جهید . لخته های بزرگ
خون بیرون جهیده از دهان و بینی به وحشتش انداخت
پدر را به کمک قریبا دگر داد اما صدا در حلقوم خشکیده اش
خشکید . خیره برجی از قالب های خشت بر زمین زانو
نشانده . میخواست باریکه های خون و بزاق آویزان
از کتارهای لب ها یش را برگرد ، اما نمی توانست .
دستش را روی قالب ها ستون کرد تا بر خیزد اما بسه
پهلوی بر روی قالب ها افتاد ، ناله ای کوتاه در سینه ی
پدر درش پیچید ، دیگر توان دورنگه داشتن بلک هایش
را از یکدیگر نداشت . از لای بلک های که به هم
نزدیک تر میشدند ، نگاه ی به دور و برش انداخت ،
جزا به های دودمانند که در اطرافش پرسه میزدند ،
چیزی ندید . میخواست دوباره دستها یش را بر قالبها
ستون کند و برپا یستد ، اما نتوانست . سرفه کنان
اما آرام ، چهره درون مشت خونی و کف خرده های نان ،
که بر روی قالب ها ریخته بود ، فرو برد .

تا ریگی از پس سرخی آفتاب غروب بر آ مسده
بود که "مش اسمال" غلام را سر تا ننگداشت و آرا م و خمیده
بسوی خانه رفت . باریکه خون و بزاق دهان و بینی
غلام ، بدنبال مش اسمال کشیده میشد .

"چاره ندارم ، اگه کار نکنه یا کم کار کنه ، خرچمن
نمیره ، میگم شایدم خودم به در عادت کنه ، منم
بجگی ها که قالب کشی میکردم کم در دوشونه در دداشت
اما بیهوشون عادت کردم ، روزای اولم که پای "گوره ی
جهنم" رفتم گراما اذینتم میکردا ما حالا "تیش کاری"
و آجریختن برام زهر کار دیکه ای شو کوره راحت تره
آدم عادت میکنه ..."



مش اسمال از دردهای خودش میگفت که من مات
دستهای غلام شدم ، بزرگی و پینه هایش ما تم کرده بود .
تا یدم لاغری سا عدویا زویش دستهای یتر را آنگونه
بزرگ می نما یاند ، ساعدی که چون جوسر باریک و
خشکیده از میان آستین کوتاه و گشا دبیرا هنی باقیه
وسر آستین هائی چرکین و خن نما ، بیرون زده بود :
"مش اسمال ، غلام نیا یدکا رکنه ، با یدیه مدتی
استراحت کنه . تا بدم لازم بشه توی به بیما رستان
بخوابه"

نگاه ملتمانه مش اسمال ، قریبا دنیا زوا جبار
بود ، گاه به من یا جاشی دیگر خیره می ماند و گاه نیم
نگاه ی به غلام می انداخت و دستهای زبر و خشکیده
چون جوبش را به میز ، سرسرا و می کشید . پش گوته ها
ولبها یث بگونه ای بود که نگاری میخواست هد چیزی
بگوید اما صدا از حنجره اش بر نمی خاست . نکان و
جا بجاشی سیب گلوگا هس ، که بر گردن با یک چوبکیده -
اش برجسته ترمی نمود ، حکایت بغضی بوده که به تلخی
می بلعید .

غلام ، نگاه دیگری نداشت ، او دیگری
نمی توانست تن به رنج و بیگاری "قالب کشی" بدهد
اما با رای بیان آنرا هم نداشت ، او هم گاه به من نگاه
به پدرش خیره میماند ، نی نی چشمان بی فروغش و

یا زدهم خرداد ، اول زوئن ، روزجانی کودک نام
گذاری شده است . به همین مناسبت ، نوشته ی "بیگانه
با مفهوم بازی" ، که گوشه ای از درد رنج کودکان
میپنمان را نشان میدهد ، بجا ب میرسانیم .



تکیه و رنگ پریده سر بر پهلوی مردی که قامت
در دورنج می نمود ، نپا ده بود ، دستهای یث را بدور کمر
مرد حلقه کرده بود تا ستونی دیگر برای برپا ماندنش
داشته باشد . نگاه و نی نی چشمهای بی فروغ و کسود
افتادش تما میت معصومیت و رنج را می مانست .
موهای سرش را از تته تراشیده بود ، سری قناس و بزرگتر
از دم معمول ، با جای زخم های فراوان و دوجوشگاه
بزرگ که جای بای عفونت های چرکین کچلی بسود .
گوشه های بزرگ و "بلبله" اش توی چشم میزد ، اما نه
به اندازه ی بزرگی سرش ! ، سری که بر بلندای گردنی
باریک و بیگری فرسوده و رنجور ، آرا چون جنینی
بزرگ شده ، می نما یاند . پیشانی کوتاه و پپر چوک ،
چشمائی بی فروغ اما درشت و شیگون و بینی ای کوچک
با خشک های آب دماغ بریره هایش ، در کتار پوستی
خشکیده و آفتاب سوخته ، تصویر غریبی از فرسودگی
و چیزی شبیه به پیری زودرس را بنمایش گذاشته بود .
با ورت نمی شد که این جثه ی سرشار از درد رنج ، این
نهال شکسته زیر بار بیگاری و فقر ، روزانه بیش از
۳۰۰ بار ، قالبهای هفت کیلویی از زمین برگردو
پس از حمل ، در فاصله ای نزدیک به ۲۰۰ متر ، آنها را
در قشائی با زو خالی بر زمین بگذارد ! .

نگاهش غریب ترا زهمی و بیگانه یث بود ، مرا
به یاد محمد ، بچه کوره ای "خاتون آبا د" انداخت ،
به یادنگاه محمد ، که چشم در چشم معلمه اش "مرضیه" دوخته
بود :
"به کدام بازی علاقه داری و تا کنون چه اسباب بازیهای
داشتی ؟" و ...
و ه که چه نگاه ! "زیر بار تر شم خرد شدم" .

سوالی نکردم تا پدر از رنج غلام بگوید . آری
غلام نیز بیگانه با مفهوم بازی و حتی مدرسه بود ، اما
مفهوم مرگ را ، چون بیگاری و رنج می شناخت ، او با
چشمهای خودش دیده بود که "حسن" چگونه زیر چرخهای
بزرگ کامیونی که آجر حمل میکرد ، له شد . بیشتک آن
هنگام هنوز لاشه ی له شده ی حسن و چهره های بهشت
زده ی "گوره ای" ها جلوی چشمش بود . طفلکی حسن هم
که ۹ سال بیشتر نداشت ، چون کیبوتری آزر بدست -
های بزرگ و سنگین کار قراما میگ ریخت ، که زیسر
چرخهای کامیون له شد . "مش اسمال" سرفه ها و خلطهای
خونی غلام را به گردن مرگ دلخراش حسن می انداخت :
"غلام زاون روز زهره ترک شده و ترسی به سینه اش ریخته"
اما کم در دوردکتف هایش را به خاطر "قالب کشی"
می دانست :

چین

● اختلافات بین رهبری حزب است که از نتایج این اختلافات هنوز اطلاع دقیقی در دست نیست. دولت‌های غربی که در مجموع عکس العمل شدیدی نشان داده و حتی تشبیهات اقتصادی از سوی آمریکا بر علیه چین معمول شده است، سال‌هاست برای دمکراسی سینه‌میز بندوباست بهره‌بردار از وقایع خشونت‌بار چین کره‌تایلندی وسیعی علیه

● پس از اعلام حکومت نظامی در یکن که متعاقب آن در ابتدا ارتش و نیروهای انتظامی دست به هیچگونه اقدامی بر علیه دانشجویان اعتراض‌کننده نزدند، دولت با لایحه ترمیم به یکا گرفتن ارتش برای اعاده نظم عادی در پایتخت نمود. دخالت ارتش برای پایان دادن به اعتراضات دانشجویان به شکل بسیار خشن صورت گرفته و واحدهای نظامی



سوسیالیسم‌پسند کرده‌اند.

تحولات جاری در چین که با دخالت ارتش و سرکوب خونین جنبش دانشجویان وارد مرحله حساس و بسیار تاسف‌آوری شده است، بخوبی نشان می‌دهد که اتحادیه است سرکوب دانشجویان که اساساً ضمن طرفداری از حزب و سوسیالیسم خواهان دمکراسی، مبارزه با فساد و کنترل توده‌ها بر بوروکراسی می‌باشند، تا بخود نمی‌بوده‌اند و اقاً تب تاخیر در دمکراتیزه کردن حیات سیاسی جامعه، این کشور می‌باشد.

اخبار رگوتا ه

- کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا -- معروف به کنفرانس هلسینکی -- در پاریس آغاز میگردد.
- کنفرانس سران کشورهای عرب در کازابلانکا تشکیل شد. در این کنفرانس مصر بعنوان عضو جامعه عرب پذیرفته شده و شرکت‌کنندگان در آن تصمیماتی برای برقراری صلح در لبنان اتخاذ نمودند.
- در زودخوردی بین اقلیت‌های ملی ساکن فرغانه از شهرهای ازبکستان شوروی تعدادی زخمی و کشته شدند.
- در سانحه قطار در شوروی که بدنیا ل انفجار ریسک خط لوله گاز در مرحله عبور و قطر رما فربری صورت گرفت صدها نفر کشته شده و تعداد زیادی بشدت مجروح شدند.

مجهز به تانک و نفربرهای زرهی به مواضع خیابانی حمله کرده و شلیک نموده‌اند. بر طبق گزارشات مختلف، تعداد تلفات زودخوردهای خیابانی حداقل چند صد نفر می‌باشد. در جریان این زودخوردها تعداد زیادی از تانکها و نفربرهای ارتش به آتش کشیده شده و شمار زیادی از سربازان نیز کشته یا زخمی شدند. همچنین برخی از اهالی پایتخت و از جمله کارگران، کارمندان و روشنفکران از دانشجویان حمایت نموده و این حمایت بعضاً بصورت فعال و با شرکت در زودخوردها همراه بوده است. اخبار مختلف حاکی از

- حزب سوسیالیست کارگران مجارستان سرگرم بررسی طرحی است که در صورت تصویب توسط اعضای حزب در طی یک فرآیند، به انتخاب دبیرکل حزب توسط بدنه آن و نه کمیته مرکزی خواهد پرداخت. این طرح بمنظور فعال کردن اعضای حزب تهیه شده است.
- آقای جیمز رایت، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا بعلت رشوه‌خواری و سوءاستفاده‌های مالی مشابه از مقام خود استعفا نمود.
- وزیر خارجه سابق ژاپن، آقای یونه به عنوان رهبر جدید حزب حاکم لیبرال دمکرات و نخست‌وزیر جدید این کشور انتخاب شد. نخست‌وزیر قبلی ژاپن بعلت رسوایی مالی کناره‌گیری نموده است.

بروکسل

● در کنفرانس سران کشورهای عضو پیمان ناتو، جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهادی در مورد کاهش نیروهای آمریکا و شوروی در اروپا و مذاکره در مورد موثکفای بر دکوتا ارائه نمود. بر طبق این پیشنهادات، در صورت پیشرفت مذاکره دربار کاهش نیروهای نظامی غیرهسته‌ای در اروپا، طرفین میتوانستند به مذاکره برای کاهش محسوس ملاحضاتی اتمی در این قاره پرداخته و تا آن زمان تا سواز اقدام به مدرنیزه کردن موثکفای با بر دکوتا خودداری خواهند نمود. با این پیشنهادات، بسته اختلافات بین آلمان فدرال و آمریکا در باب "موقتاً" خامه داده شدن تا سواز موضع تدافعی در زمینسه مذاکرات خلع سلاح خارج میشود. هنوز شوروی به پیشنهادات فوق پاسخ نداده است. از سوی دیگر رئیس‌جمهور آمریکا در دیدار کوتاهی از آلمان فدرال یکبار دیگر به تشریح استراتژی غرب در قبال کشورهای سوسیالیستی اروپا پرداخته و اهداف سیاست کشورهای غربی را ایجاد اروپای آزاد که در آن "دمکراسی" با زارهای این کشورها را بهم وصل میکنند. به زبان دیگر احیای سرمایه‌داری با رژیم‌سیاسی دموکراتیک در شرق اروپا دانست.

شوروی

● شورای اتحاد شوروی که در برگیرنده نمایندگان انتخاب شده در ماه مارس می‌باشد در مسکو آغاز میگردد. نموده و ضمن انتخاب گورباچف بعنوان رئیس‌جمهور شوروی، نمایندگان را برای شورای عالی اتحاد شوروی انتخاب نمود. این نمایندگان که به همراه نمایندگان منتخب شورای خلقهای اتحاد شوروی، پارلمان دائمی این کشور را ایجاد میکنند، می‌بایست بطور دائمی به کنترل کارکرد دولت و قانون گذاری بپردازند. در جریان انتخابات شورای عالی، بسیاری از نمایندگان را یکبار دیگر به شورای عالی و تقصای در شوروی، انتخاب شدند. بطوری که بوریس یلتزین یکی از نمایندگان مسکو و چیره محبوب مردم شوروی بجزمت توانست پس از کناره‌گیری یکی دیگر از نمایندگان انتخاب شود. گورباچف در سخنرانی خود پس از انتخاب به ریاست جمهوری شوروی گفت که این کشور، با یدبزدی به اصلاح قانون اساسی خود دست زده و فرمهای جاری را بر گشتنا پذیر کند. وی همچنین با اعلام بودجه نظامی این کشور به مبلغ حدود ۲۷۰ میلیارد دلار اعلام نمود که در دو سال آینده به مقدار ۱۴٪ از این بودجه کم خواهد شد.

- در کنفرانس "ایدز" در مونترال کانادا اعلام شد که تاکنون یک میلیون بیمار مبتلا به ایدز که علائم بیماری را بروز داده‌اند، احتمالاً لاده میلیون مبتلابه بیماری مزبور که هنوز این علائم را نشان نداده‌اند وجود دارند و سرعت گسترش این بیماری کاهش نیافته است.
- اتحادیه‌های کارگری بریتانیا دلیل عدم دیدن دستمزدها در نتیجه بدترین تورم در سه سال گذشته خواستار قرار دهایی جمعی جدید شدند.

انتخابات لهستان

انتخابات دولهستان برای تعیین نمایندگان مجلس سنا و نیز ۲۵٪ از نمایندگان پارلمان این کشور "سیم" با پیروزی قاطع "همبستگی" و اپوزیسیون همراه با آن خاتمه یافت. این انتخابات پس از حصول توافق در "میزگرد" بین دولت و اپوزیسیون ممکن گشته است. برطبق توافقات مزبور، مجلس سنا با تعداد ۱۰۰ نماینده میتواند لویج "سیم" را در صورتی که ۲۵٪ آرا را نداشته باشد و تکلیف بدهد. بعلوه این "سیم" تعداد ۳۵٪ از کرسی های خود را در اختیار کاندیداهای اپوزیسیون میگذارد و به مرور پس از بهبود وضع سیاسی و اقتصادی، انتخابات آزاد برپا خواهد شد. اپوزیسیون در آرای این امتیازات باید بپذیرد که در چارچوب قانون اساسی و نظرسام سوسیالیستی عمل کرده و در این چارچوب "تحدید" همبستگی" اجازه فعالیت خواهد داشت.

انتخاباتی که در روز ۵ ژوئن برگزار شد، نقطه آغازی برای پیشبرد سیاست فوق بود. در این انتخابات حزب متحد سوسیالیست کارگران لهستان مجبور بود در شرایط بسیار سختی برای انتخاب نمایندگان خود مبارزه کند، مشخصات اصلی این شرایط کدامند؟

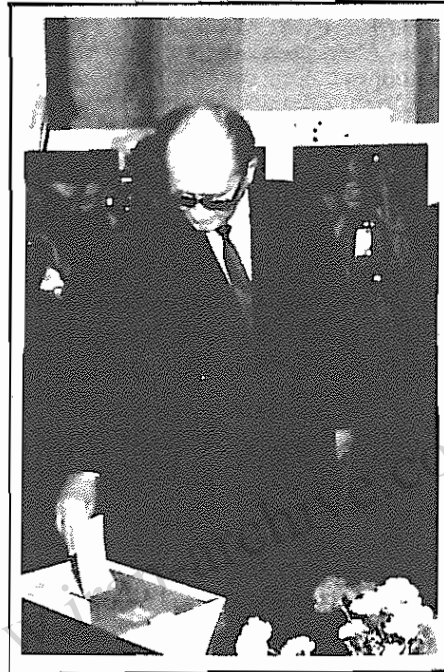
الف: شکست همه جا نهب حزب در گذشته و درواخیر پس از بحران ۱۹۸۰ که موجب بی اعتباری همه جا نبودن و ایجاد تردید در توده ها نسبت به توانایی حزب شده است. در یک کلام بحران اعتماد مشخصه رابطه حزب و توده های وسیع مردم لهستان است.

ب: برتری روانی اپوزیسیون ارتجاعی که با سرمایه گذاری روی شکستهای دولت، برخورداری از حمایت های مادی و معنوی امپریالیسم و اتکال به روحیات مذهبی و ناسیونالیستی توده های سرخورده و سرگشته، خود را به مثابه آلترنا تیف دولت سازمان داده است.

ج: عدم امکان موفقیت رفرمهای اقتصادی بدون انجام اصلاحات سیاسی که مضمون آن دخالت دادن مردم

در حیات سیاسی جامعه باشد. پیوند بین دو وجه زرفیها بحدی است که بدون شتاب دادن به آنها، نمی توان به هیچ وجه از دور باطل کنونی خارج شد. موفقیت رفرمهای اقتصادی تابع انجام رفرمهای سیاسی همه جا نهب و بالعکس میباشند.

د: سرخوردگی همه جا نهب و بی تفاهتی عظیم جامعه لهستان که دوره فروپاشی همه ارزشهای گذشته خود را طی کرده و تنها اقلیت کوچکی از مردم آن حاضر به فعالیت جدی برای تغییر وضع موجود هستند. مثلاً



احزاب دولتی و اپوزیسیون تنها موفق به جلب ۶۲٪ رای دهندگان به شرکت در انتخابات شدند، امی که نشان دهنده عمق بی تفاهتی توده ها میباشند.

بر اساس آنچه گفته شد، اگر برای سوسیالیسم در لهستان بنامی وجود داشته باشد، تنها از طریق تجربه خود توده ها که با سنجش گفتار و کردار و عمل به برنامها قضاوت خواهند نمود، می باشد. دولت لهستان با مجبور کردن اپوزیسیون به پذیرش مسئولیت و شرکت در قدرت، این امکان را فراهم میکند که دوطرف در یک فضای دموکراتیک برای

برنامه های خود برای جلب نظر مردم به این برنامه ها مبارزه کنند. فراموش نکنیم که اپوزیسیون حول و حول همبستگی "بروپا به شکل گرفته است: شکست برنامها و سیاستهای تکنونی حزب و خواسته های بحق و عادلانه مردم بویژه کارگران. بعلوه این اپوزیسیون اساساً دارای برنامه ای بجز احیای سرمایه داری در لهستان نیست، گرچه این هدف به علت وفاداری اکثریت مردم بویژه کارگران به آلمان سوسیالیسم، از سوی همه بخشهای اپوزیسیون به صراحت عنوان نمی شود.

نکته مهم دیگری که باید بررسی شود این است که در شرایط کنونی امکان احیای دموکراسی شورائی در لهستان وجود ندارد، زیرا بحران اعتماد و بحران آلترنا تیف برای توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه آنچنان عمیق است که نمی توان در میان مردم اکثریت بزرگی را که طرفدار دموکراسی شورائی با شنیدافت، در واقع در لهستان برای هیچ برنامه اشباتی یک اکثریت بزرگ وجود ندارد، اکثریت مردم تنها در تجربه منفی کنونی اتفاق نظر دارند و معلوم نیست که در آینده لزوماً از "همبستگی" دفاع کنند و یا از دولت کنونی. بنا بر این اگر بی تفاهتی سیاسی را بعنوان عنصر اصلی در میدان دادن به جنبه های جهالت آمیز و عقب مانده دموکراسی بشمار آوریم، باید گفت که دموکراسی کنونی در لهستان اساساً برخواستن ها و نداشتن ها اتکال دارد و از این روستا تغییر بین جنبه از آن و چربیش وجوه اشباتی و آگاهانه آن، نمیتوان سخنی از شوها به میان آورد. اگر کمونیستهای لهستان موفق شوند که به بحران بیشکل کنونی خاتمه داده و صف آرائی های روشن را در قبایل برنامها و احزاب آنها ایجاد کنند، اگر آنها بتوانند اعتماد زحمتکشان را نسبت به خود احیا کنند و اگر آنها بتوانند ماهیت ضد کارگری رهبران و برنامها "همبستگی" را در براتیک در مقابل توده ها افشاء کنند، آنگاه میتوان گفت که دموکراسی نیم بند کنونی، گامی برای احیای دموکراسی شورائی و بازسازی سوسیالیسم در لهستان می باشد.

آرژانتین

بدنبال افزایش قابل ملاحظه قیمت مواد غذایی که به توصیه صندوق بین المللی پول صورت گرفته است، شورهای وسیعی در این کشور بوقوع پیوست. اهالی خشمگین پایتخت آرژانتین به غارت مغازه ها پرداخته و با پلیس ضدشورش به زدوخورد پرداختند. در جریان این زدوخوردها تعدادی کشته و زخمی و تعداد بسیاری دستگیر شدند. نیروهای دولتی ضمن سرکوب شورش فقر و زحمتکشان به دفاع از احزاب چپ حمله برده و پاره ای از رهبران این احزاب را دستگیر نمودند.

با پیام کارگر همکاری کنید!

بلغارستان

رهبری حزب کمونیست بلغارستان در پلینومی که بدلیل اختلاف نظرها حول میزان فاصله گرفتن از مالکیت جمعی و کشاورزی مدتها بتعویق افتاده بود، تجدیراتی را در مالکیت زمین و خرید کردن مزارع بزرگ پذیرفت. برطبق این رفرم خانواده ها و افراد میتوانند قطعه زمین هائی را برای ۵ تا ۵۰ سال اجاره کنند، این ایده ایست که اخیراً از طرف رهبری شوروی عنوان شده است.

ژیکوف رهبر ۷۹ ساله حزب که قدیمی ترین رهبر کشورهای سوسیالیستی اروپا است تا کیسند میکند که رفرمها نباید منجر به انحلال مالکیت سوسیالیستی شود.



گشتندا ما قانونی

روزتبادل فرهنگ درین

علی کهنه پوئی پناهنده ایرانی که چندی پیش از طریق فرودگاه فرانکفورت، خود را به آلمان غربی رسانده و تقاضای پناهندگی کرده بود، روز ۸۹/۵/۱۹۹۹ هنگام انتقال به بیمارستان جان سیرد.

او که بیماری قلبی داشت، از همان ساعات اولیه ورود به فرودگاه، توسط دوستان همراهش به پلیس مرزی فرودگاه بعنوان بیمار قلبی معرفی میگردد تا هر چه زود تر به وضع اورسیدگی نمابند. اما شرایط بد محلی که در فرودگاه پناهندگان را نگهداری میکنند، آخرین فشارها را بر قلب رنجور او وارد میکند. پس از ۴ روز بدون توجه به وضعیت بیمار، او و دوستانش را به خوابگاههای در HANAU میفرستند. شب در جایی که جان علی را در خود میبلعد. دوستانش نزد مسئول خوابگاه میروند و آنجا شیکه زبان هم بلد نبودند، سعی میکنند موضوع را به او بفهمانند، اما مسئول خوابگاه بی پروا ویی توجه میماند و حتی به آنها اجازه تلفن کردن به خارج از خوابگاه نمیدهد. صبح ساعت ۶ پس از اینکه دردهای جانکا به آخرین رمقیهای علی را از او گرفته بود، مسئول خوابگاه او را توسط تاکسی روانه بیمارستان میکند، اما دیگر بسیا ردیر شده بود و علی کهنه پوئی متقاضی پناهندگی از دولت آلمان در مهرداد تمدن بورژوازی کا ملاقاتی کشته میشود.

علامت نبودند که نظرات شرکت کنندگان را راجع به چگونگی این برنامه و مشاوره جویا کردند که از جمله یک یونانی اظهار داشت: "وقتی که مردم آلمان ضد خارجی هستند چگونه میتوان انتظار تبادل فرهنگی از آنها داشت. بهتر است ابتدا افکار ضد خارجی را از کله آنها بیرون کرد و بعد صحبت از تبادل فرهنگی نمود. یک هنر پیشه ترک نیز نسبت به تعداد کم شرکت کنندگان آلمانی اشاره کرده و نسبت به مشکلات کاری خود در محیط با آلمانها توضیحاتی داد. برگزار کنندگان برنامه، گزارشی از وضعیت پناهندگان در ترکیه و پاکستان ارائه داده و خواهان اجازه سفر به آلمان برای آنها شدند. یکی از شرکت کنندگان به حزب سبزها نسبت به اقدامات اندکی که برای نجات زنان زندانی از جمله آزادن زندانی سیاسی ایران که زیر اعدام قرار دارند، انجام میدهند، اعتراض کرد.

رفقای ما فعالان در این برنامه شرکت کرده و با بخش اعلامیه، فروش نشریات بزبان آلمانی و انگلیسی، دست به افشاکاری علیه رژیم جمهوری اسلامی زدند.

صعرفی نشریه

"ایران، مبارزه" نام نشریه انگلیسی زبان انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا است که ماهیانه منتشر میشود. همچنین این انجمن جزوای بنام اول ماه مه و دو مقاله ترجمه شده از نشریات فلسطین دمکراتیک و "پیروزی" (مربوط به جنبه خلق برای آزادی فلسطین و جنبه فاعا را بودند و ما رتی) نیز منتشر کرده است.

منتشر شده است:

RAHE KARGAR
 Herausgeber: Organisation revolutionärer Arbeiter Jense (Rohr) Stuttgart
 Ausgabensitz: Stuttgart

Deutsche Ausgabe: November 1999/Nummer 2 30 Pf

**IDENTITÄTSKRISE
 DES REVOLUTIONÄRWÄCHTERCORPS**

Die revolutionäre Bewegung im Palästina-Exil ist eine Bewegung der Arbeiterklasse, die sich gegen die imperialistische Herrschaft der USA und des Zionismus richtet. Sie ist eine Bewegung der Arbeiterklasse, die sich gegen die imperialistische Herrschaft der USA und des Zionismus richtet. Sie ist eine Bewegung der Arbeiterklasse, die sich gegen die imperialistische Herrschaft der USA und des Zionismus richtet.

**STAAT PALÄSTINA
 IM EXIL**

Die palästinensische Bewegung im Exil ist eine Bewegung der Arbeiterklasse, die sich gegen die imperialistische Herrschaft der USA und des Zionismus richtet. Sie ist eine Bewegung der Arbeiterklasse, die sich gegen die imperialistische Herrschaft der USA und des Zionismus richtet. Sie ist eine Bewegung der Arbeiterklasse, die sich gegen die imperialistische Herrschaft der USA und des Zionismus richtet.

این شماره نشریه آلمانی راه کارگر بیسن - المللی که تاریخ ماه مه ۱۹۸۹ را داردا و حاوی مقالاتی دربار بحران هویت درسیا و با ساران، نمایش عفو عمومی زندان نیا ن سیاسی در ایران، دولت، تبعیدی فلسطین و اخباری در مورد ایران است. گزیده ای از اعلامیه مشترک سازمان ما و دو سازمان دیگر در مورد زندان نیا ن سیاسی و تراکت منتشره از جانب کمیته خارج سازمان ما در مورد اول ماه مه از دیگر مطالب این شماره هستند.

مدتی است که حزب سبزها در آلمان فدرال در شهرین برنامهای بنام Multikulturell-gesellschaft برگزار میکنند که هدف آن تبادل فرهنگ بین ملیتهای مختلف و بحث و گفتگو پیرامون مسائلی خارجی و پناهندگان در آلمان فدرال است. آخرین برنامه از این نوع روز چهارشنبه ۳۱ ماه مه در شهرین برگزار گردید. بدعوت سبزها، تعدادی از نویسندگان، نقاشان، هنرپیشه ها، خبرنگاران و موسیقیدانان و سایر هنرمندان از ملیتهای مختلف در این برنامه شرکت کردند. برنامه از ساعت ۱۱ صبح تا ۱ شب طول کشید و در این میان مسئول برنامه که نماینده سبزها در پارلمان آلمان بود راجع به ۴ ماده از لیحه ای که این حزب به پارلمان پیشنهاد کرده است، توضیحاتی داد، که عبارت بودند از:

۱ - حق انتخاب برای خارجیها، ۲ - حق اقامت ۳ - حق مستمری برای خارجیها ۴ - پذیرش خارجیها بعنوان هموطن و صدور پاسپورت آلمانی برای آنها. تعداد آلمانیهایی شرکت کننده در برنامه کم بود و هنرمندانی از کشورهای ترکیه، ایتالیا، یونان، هندو و امریکای لاتین حضور داشتند. برگزار کنندگان

حمله فاشیستها

به خوابگاه پناهندگان

یک خوابگاه پناهندگی واقع در شهر مونستر که جزو ایالت هسن در بخش دارمشتات - دیبورگ است، نیمه شب ۲۶ آوریل مورد حمله تعدادی از عوام مسلح با تعدادی سیاه و فاشیستی قرار گرفت. در این خوابگاه چهل پناهنده از کشورهای شیلی، آفریقای و ترکیه و... سکونت دارند. آنها ابتدا با یک خانواده شیلیایی را مورد حمله قرار داده با سوراخ کردن درها با یوسله ضربه، گاز اشک آور و با خنل آن بخش می کنند. خانواده شیلیایی همگی بدلیل سروصدای رعب آورنده شیمتها و گاز اشک آورکا ملاحظه میشوند. پناهندگان دیگر فوراً به پلیس خس میدهند، اما پلیس زمانی میرسد که متجاوزین نزد پرسنل متواری شده بودند. پس از رفتن پلیس آنها دوباره برگشته و ایندفعه از بیرون خوابگاه به پنجره ها با یک پناهنده ترک که در طبقه دوم اختمان است، گاز اشک آور پرتاب میکنند. این دفعه نیز قبل از آمدن پلیس آنها فرار میکنند. پلیس که هر دو بار با تاخیر و بی مسئولیتی به محل حادثه آمده بود بجای تعقیب متجاوزین به یادداشت اسامی پناهندگان و پرس وجو از آنها پرداخته و اظهار کرده است که حادثه مربوط به دعوی خود شماست!

فردای آن روز یعنی شب ۲۷ آوریل نیز بنام هنده ای از همان خوابگاه در یکی از مراکز تفریحی شهر با بطری مورد حمله قرار گرفته و مجروح گردید. اگرچه زین بعد از حادثه نماینده ای از حقوق بشروا داره، امورا اجتماعیه به خوابگاه آمده و با پناهندگان ملاقات کردند، اما اقدامی جدی در تامين امنیت جانی و آسایش روحی آنان صورت نگرفت است.

به همین دلیل تعدادی از ایرانیان تحت نام "کمیته برگزاری تحسن" در اعتراض به عدم رسیدگی بموقع به وضعیت بیماری علی کهنه پوئی که منجر به مرگ وی گردید از روز دوشنبه ۲۹ ماه مه تا پنجشنبه اول ژوئن در محل شهرداری فرانکفورت، دفتر سبزها تحمن کردند و روز آخر کنفرانس مطبوعاتی پیرامون حق پناهندگی سیاسی، حق انسانی ترشیب دادند. خبر این آکسیون از رادیو تلویزیون و برخی رسانه های دیگر منتشر گردید.

گرد همائی علیه نژادپرستی

بکشنبه چهاردهم ماه مه تعدادی از سوئیسی مترقی و جمعی از مهاجرین از ملیتهای گوناگون گرد هم آمده و پیرامون مبارزه علیه راسیسم (نژاد پرستی) و تبعیض نژادی و جنسی صحبت کردند و هر کدا فرهنگ و فلکلور ملی خود را به نمایش گذاشتند. کمیته دفاع از زندان نیا ن سیاسی ایران مالمو و انجمن فرهنگی ایرانیان - لوما جزو شرکت کنندگان در این گرد همائی بودند. یکی از پناهندگان ایرانی فعال در امور مبارزه با تبعیض ضمن خواندن منشور حقوق بشر سازمان ملل توضیح و تشریح تک تک مواد آن پرداخت و نشان داد که چگونه این منشور توسط جمهوری اسلامی جنایتکارانه زیر پا گذاشته میشود. رفقای ما در این گرد همائی با بیانی غف و عکس آثار جنایات رژیم تبعیضکار جمهوری اسلامی، در تلاش و همبستگی با سایر ملل و مهاجرین نسبت به نژاد پرستی، تبعیض نژادی و جنسی ایرانیان نژاد و نفرت کردند.

اعتیاد در آلمان

نگاه می گذارد به کجروی ها و نا هنجاریهای اجتماعی در کشورهای سرمایه داری آلمان غربی و برلین غربی^۱

دوم دسامبر سال ۱۹۸۵، ساعت ۴ بعد از ظهر، جسدن جوان بیست و یکساله ای بنام آلکساندر، در توالی یکی از رستوران های پررفت و آمد فرانکفورت پیدا شد. مدیر رستوران سرمایه پلیس را به کمک طلبید. مشتریان در حال رفت و آمد بودند، که برانکارد حامل جسد آلکساندر از رستوران به پزشکی قانونی انتقال یافت. پلیس در مورد این می ویکیمین جسد پیدا شده در توالی رستوران ها و ایستگاه های قطار و باجه های تلفن در طول سال ۱۹۸۵، بیست و نه گزارش میدهد:

"چشماتش بسته بود، قرنیهاش به کبودی گراشیده اعتیاد در دهه است که می ترید در سال ۱۹۸۸ رو به تازید ایداشته است". وزارت کشور آلمان غربی و برلین غربی و نیز پلیس این کشور، که در مدیالائی از آنها در زمره نشوفا شیطانی این کشور هستند، تلاش میکنند گسترش اعتیاد و نیز بیبیا مدیهای ناشی از آن را به گردن خا رخیان بیاندازند. آنها آگاهانه و برای دامن زدن به جو نشوفا شیطانی و ضد خا رچی در این کشور و نیز ایجاد محدودیتهای برای ورود و بیازندگی خا رچیان و پناهندگان سیاسی ادعا میکنند که:

"راه ورود مواد مخدر به آلمان غربی و برلین غربی از خا رچ از این کشور، بویژه از طریق ترک ها و بویگلاوها و خا رچیان دیگر است. در رابطه با فروش جزء این مواد نیز علاوه بر ترکها و بویگلاوها پناهندگان سیاسی آفریقای، بویژه غنائی نقش اساسی ایفاء میکنند^۱

وزارت کشور و پلیس آلمان غربی و برلین غربی ورود مواد مخدر از هلند را هم که خرید و فروش مواد مخدر در آنجا با مانعی جدی روبرو نیست. اخیرا بعنوان گذرگا می مهم طرح کرده اند. مسئولین این وزارت خانه هرگز که می فیلمها و مقالات متعددی در رابطه با کشف مواد مخدر از خا رچیان، بویژه سیاهان آفریقای، نشان میدهند، و تلاش میکنند آنرا عوامل اصلی پیدائی و گسترش اعتیاد در آلمان غربی و برلین غربی معرفی کنند. اما آنچه که بارها طرح و افتاده، این واقعیت است که پناهنده های بزرگ "ما فیا ئی" و "گاسکتری" فرا ملیتی قاچاق مواد مخدر، که بسیاری از دولت مردان ثروتمند، فرماندهان پلیس و دیپلمات های آلمان غربی و برلین غربی و سایر کشورهای اروپائی گرداننده های آن پناهنده ها هستند و با حداقل سردر آخور آنها دارند، عوامل اصلی ورود مواد مخدر و پیدائی و گسترش اعتیاد هستند.

نکته ای که در رابطه با مساله اعتیاد در این کشور قابل توجه است اینست که اکثر معتادین به مواد مخدر از میان نوجوانان هستند. اکثر آنها از دوران دبیرستان با سیگار و بعد حشیش و علف آغا میکنند.

بودا ما مردمک هاندا زه طبیعی داشته. دندا نهیسا پشت یکدیگر قرار داشته و زبان در پشت دندا ن هاقابلر داشت و..."

این نه فقط سرنوشت "آلکساندر" ای زیبا و جوان، بلکه فقط در سال ۱۹۸۷ سرنوشت ۴۵۰ تن از شهروندان آلمان غربی و برلین غربی بوده که اکثر هم سن و سال آلکساندر بودند. سرنوشت شومی که هر سال بیش از پیش گریبانگیر جوانان این کشور است. در گزارش رادیوئی و تلویزیونی مورخه ۴ ژوئن ۱۹۸۹، با استکاء به گفته ی منابع اعلام میشود که به میزان مرگ و میر ناشی از اعتیاد به مواد مخدر در آلمان غربی و برلین غربی ۵۰ درصد افزوده شده است! منابع دولتی علت افزایش مرگ و میر را، افزایش تعداد معتادان و نیز ناخالصی مواد مورد استفاده میداند. مواد ناخالصی که قاچاقچیان برای استفاده مالی بیشتر به مواد مخدر اضافه میکنند!

کتابهای آمار معتادین در آلمان غربی و برلین غربی (منتشر شده در سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹) و ایسل (۱۹۸۹)، دربارها میزان معتادین در این کشور مینویسد:

"از میزان دقیق تعداد معتادان در آلمان غربی و برلین غربی آمار دقیقی در دست نداریم، چرا که بسیاری از معتادین که توانائی تامین مواد مخدر مورد نیاز خود را دارند و می توانند سرپا باشند، خود را به مراجع قانونی معرفی نمی کنند و مساز تعداد آنها، که بسیار زیاد هستند، بی اطلاع هستیم. اما آنچه برای ما روشن است، اینست که در سال ۱۹۸۷ ما رقمی بین ۶۰ تا ۹۰ هزار معتاد به هر دو جنس و ۲۵۰ هزار معتاد به مواد افیونی دیگر مثل حشیش، علف، ماری جوانا و... ۲۰۰۰ تا ۱/۲ میلیون نفر معتاد به الکل و ۱/۵ میلیون نفر معتاد به داروهای خواب آور و آرامبخش، داشتیم. این ارقام فقط ارقام ثبت شده هستند، و الیها نگونه گفته شد تعداد معتادین فرا ترا از اینها هستند"^{*} در همین کتاب آمده است که:

"فقط در سال ۱۹۸۷، ۷۵۰۰۰۰ نفره جنایت بدلیل سیزده سالگی برای اکثر معتادین این دیار آغا ز روی آوردن به مواد مخدر است. پلیس آلمان غربی و برلین غربی علاوه بر نا ثید این امر، برای نکته نیز انگشت نهاده که محل های تجمع و تفریح جوانان، از مراکز خرید و فروش مواد مخدر و استعمال این مواد است، و در این رابطه از دیمکوتک ها و سایر مکانهای که جوانان در آنجا وقت میگذرانند و نیز محل بازیهای کامپیوتری و... نام میبرد. حتی میادین ورزشی در این کشور نیز از زیور مواد مخدر مصون نمانده و گفته میشود که بسیاری از تماشاچیان حرفه ای رشته های ورزشی مختلف، بویژه فوتبال، از زمره جوانان معتاد به مواد مخدر، بویژه معتاد به مشروبات الکلی، هستند. نه تنها در رابطه با اعتیاد، حتی در رابطه با فروش مواد مخدر نیز

جوانان آلمان غربی و برلین غربی نقش زیسادی ایفا میکنند، آنگونه که به گفته ی پلیس:

"در مدیالائی از زندانهای که به جرم خرید و فروش مواد مخدر زندانی شده اند از میان جوانان هستند. دولت آلمان غربی نه فقط در رابطه با خرید و فروش مواد مخدر، حتی در رابطه با معتادین به مواد مخدر، که جوانان بالاترین درصد آثرا تشکیل میدهند، نیز مجازات های در نظر گرفته است!

"در سال ۱۹۸۱ از ۲۳۹۰۶۲ نفر معتاد دستگیر شده، ۵۴/۷ درصد محکوم به زندان، ۳۰/۹ درصد پرداخت جریمه نقدی، ۱۰/۸ درصد راهی مراکز تربیتی و آموزشی و ۲ درصد مورد عفو و تبرئه قرار گرفتند."

دولت آلمان غربی، پس از سال ۱۹۸۱ تلاش نمود که و نمود کند، معتادان را تنها تحت درمان و آموزش قرار دهد اما علیرغم این ظاهرا سی، هنوز بسیاری از آنها را راهی زندان میکند. هر از گاهی نیز پلیس با یورش به مراکز تجمع و زندگی آنها که مدتها ایستگاه های راه آهن، توالیهای عمومی، باجه های تلفن و توالی رستورانهای پر رفت و آمد است، گروهی از آنها را برای درمان و آموزش به سوی زندان ها میفرستد! پلیس آلمان غربی و برلین غربی ضمن کنترل شدید ایستگاه های اصلی راه آهن، توالیهای عمومی و باجه های تلفن، برای جلوگیری از تجمع و وقت گذرانی معتادان و نیز خرید و فروش مواد مخدر از صاحبان و مدیران رستورانها و سینماها و دیگر مراکز پر رفت و آمد خواسته است، مانع ورود معتادان به توالیهای این مراکز شوند، توالیهای که در سال مدتها بیکریبجان نوجوانان و جوانان و زنان و مردان معتاد آلمان آنها بیرون کشیده میشود.

دولت آلمان غربی، بویژه وزارت کشور، در رابطه با پیدائی و گسترش اعتیاد و نیز گسترش اعتیاد و نیز فروش مواد مخدر، آگاهانه بر علل اساسی بروز این نا هنجاریها چشمی بندد و در راستای پیشبرد سیاستهای فدا نسانی خود، به قا کتورهای فرعی و غیر اساسی اشرار کرده و آنها را محور تبلیغات خود قرار میدهد. مسئولین مملکتی در آلمان غربی و برلین غربی، بجای طرح این مساله که بیکاری، فقر، پنهان، نا هنجاریهای اخلاقی و فرهنگی (که سمت و سوی انحطاط اخلاقی و فرهنگی بخود گرفته) و... را علل پیدائی و گسترش روز افزون اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر میکنند، و نیز بجای دستگیری مهره های اصلی وارد کننده مواد مخدر، که خود نیز سردر آخور آنها دارند، مساله خا رچی ها و پناهندگان سیاسی را، به عنوان عوامل اصلی وارد کننده ی مواد مخدر و نیز خرید و فروش آن و نتجتا پیدائی و گسترش اعتیاد طرح کرده و بر آن دامن میزنند!

این نوع برخورد ها و نگرش های "نشوفا شیطانی" هر روز دامنه گسترده تری در آلمان غربی و برلین غربی بخود میگیرد. تلاشهای مذبحانهای که به هر شکل ممکن میخواد بپرکشتافات چنین جوامعی سرپوش گذارد.

معرفی یک نویسنده



ادبیات مترقی در سوئد

بدانیم - در درون مآز شبای غربی جای داده میشود. " این کتاب چنان مورد توجه قرار گرفت که لغت القاء ایدئولوژی indoktrinering در پایان دهه شصت به مدرن تبدیل شد. " و در عین حال به سرودن غزل ها ادا مینماید و غزل های او بیش از پیش به مضامین شو، به اشکاس شفا دهی واقعی جامعه مسائل آموزش، برابری، عدالت، نابرابری زبان و نیز به مسائل موجود در جهان خارج از سوئد اختصاص می یافت. میتوان از مجموعه های (چه میتوان کرد (۱۹۶۹)، (چرا شبها نمی ندرند (۱۹۷۱)، (سوئد، یک قصه زمستانی (۱۹۸۴) اونا مبرد.

و فاداری او به اشکاس عین واقعیت، واقعیت او را به یک تجربه ادبی شوکتا نیداد و دو سال در کارخانه IMBriksson یعنی یک کارگر ساده به کار مشغول شد، بدون آنکه خود را به کارگران معرفی کند. علیرغم این امید داشت که در این کارخانه یک میهمان است و تجربه او با کارگرانی که همه عمر را محکومند در آن شرایط کارکنند متفاوت است. به علاوه او دارای پیشداوریها می بود پس تلاش کرد عینیت را ببیند و مستقل قضاوت کند. دو اشعار و "یک سال در کارخانه IM - ۱۹۷۲" و "ملاحظات نهانی در مورد IM" حاصل این تجربه است. در امتزاج بسا واقعیت در کارخانه بود که او ساعات کارگر سوئدی را در جایگاه ای که سوئد را دمکراتها ساخته اند چنین یافت :

" زمان کار، رکستن ساعات زندگی است. دقیقه به دقیقه، روز بروز، سال به سال ... " در تلاش به دستیابی مستقل به حقیقت بود که او دریافت :

" مستخدمین را به اداره کارها بگمازید، برای من بسا ریشوا رخواد بود که ادانکار رکنش آنها از مدیران کنونی در اداره کارها مثلادرتقسیم کار در کارخانه تنظیم دستمزدها، بهداشت و تصمیم گیری های موفق تر خوا هندی بود. "

قطعه زیر از کتاب "ملاحظات نهانی" توسط رفیق شهرزاد از سوئد ترجمه شده است .

" ساعت کار در کارخانه "
از Göran Palm

... ساعات کار در کارخانه ریگمون برای همه یکسان نیست. روسا وقت آزاد خودشان را دارند ، کارمندان معمولی هم اوقات کار مربوط به خودشان را ، کارگران بخت کوچک زودتر از کارگران بخش بزرگ کار میزنند و آنها بنوبه خود زودتر از هر کسی که در قسمت اداری کار کنند. زودتر از همه و دیرتر از همه کارگران شیفتی کار میزنند. بسته به اینکه شیفت کار آنها صبح شروع میشود یا شب . .

اما پیش از هر چیز باید گفت تا غلین بسته بند سطح شغلی خود که در کارخانه کار می کند ملاحظه بندی شده است ، احساس متفاوتی از ساعات کار خود را در اندام خود موقتی در خانه می نشینم و می نویسم غالباً احساس میکنم زمان خیلی به سرعت میگذرد. بندرت به ساعت نگاه میکنم زیرا کارمرا در خود غرق میکند. اما زمانی که به ساعت نگاه میکنم آرزو میکنم که ساعت صورت بندی میشود. بدین طریق - بدون آنکه خود

مبارزه طبقاتی بلکه تلاش برای دستیابی به درک جدیدی از انسان و گسترش مستقل شخصیت انسان اغلب انگیزه اساسی این روشنفکران است. Göran Palm نویسنده گران این دوره و متعلق به گروه اخیر روشنفکران است. او در ۱۹۳۰ متولد شده است و کارهای ادبی خود را با ارائه چند مجموعه غزل آغاز کرد. او با توصیف زندگی روزمره انسانهای عادی در مجموعه غزلها (ملاقات با سگ - ۱۹۶۱)، (جهان به تومینگرد - ۱۹۶۴)، تلاش کرد تصویر گروا قنیت با شادوبه غزل مدرن انگیزه ای برای انطباق با زندگی امروز بدهد. او علاقه به واقعیت را پس با روی آوری به نقد و تحلیل مستقیم از جامعه ادا مینماید. "یک ملاحظه غیرعادی" اولین اشعار از این دست است که در سال ۱۹۶۴ منتشر شد. اشعاری بر روی شرایط جوان مع عقب افتاده و رابطه آن با کشورهای پیشرفته جهان است. او در این اثر نشان داد که چگونه "جهان غرب طی صدها سال جهان سوم را پوشیده و آنرا درنا توانی، فقر و وابستگی" نگاه داشته است. بسیاری از آنها با فرهنگ والای خود غرب را به جلو پیش رانند، اما در مقابل آنچه غرب برای آنها به ارمغان آورد "شور، غارت، تحقیر" بود. او در مورد عنوان کتاب نوشت :

" ملاحظاتی که بخوا هد شهت به جهان سوم عا دلانه باشد، نسبت به جهان غرب غیرعادی است ، بدین جهت آنها را غیرعادی میخوانم! نیمه ما را از آن بهره ای حاصل نخواهد شد. چنین ملاحظاتی نزد ما شروتمندان معمول نیست ، با وجود این امروز به یک ضرورت تبدیل شده است . "

او در انتهای این اشخود سوالی را پیش می نهد حتی برای امروز نیز صادق است :

" تا کی این وضع میتواند ادا مینماید؟ آیا آمریکا و اروپا چرخ نیکیبختی خود را که دیگر سرا سر جهان در می نوردند ، بدین سرعت آنقدر خواهند چرخانید تا با خونت باز داشته شود؟ "

اشرا انتقادی دیگر او ، " القاء ایدئولوژی در سوئد - ۱۹۶۸ " بدان اختصاص یافته است که نشان دهد چگونه سوئدی ها " با یک چشم " به جهان مینگردند چگونه افکار عمومی یک جانبه " پرورش داده میشود " پالم نشان میدهد که چگونه " اطلاعاتی که ما از طریق خبرگزاریها ، روزنامه ها ، رادیو و تلویزیون و مدارین دریافت میکنیم یکجا نبیه و در جهت منافع غرب تنظیم شده است . اطلاعات مربوط به بلوک شرق و جهان سوم بخشا محدود و محصور است ، و بخشا بفتح جهان غرب صورت بندی میشود. بدین طریق - بدون آنکه خود

سوئد را دمکراسی در شمال اروپا ایستاده است که در دوران بی حکومت رسیده که سرمایه داری یک دوره رونق گسترده را تجربه میکرد و در نتیجه تحت حکومت سوئد دمکراتها رفاه و وسیعی صورت پذیرفت که خود بهترین وسیله پرده پوشی آن نقش خیا ننت با ری بود که سوئد دمکراسی در اروپا برای جلوگیری از درهم شکستن سرمایه داری و به قدرت رسیدن کارگران ایفا کرد. سوئد دمکراتها در اسکاندیناوی و بویژه در سوئد بر این زمینه و به کمک فاکتورهای ویژه تاریخی ، اجتماعی و اقتصادی توانستند دست به رفاه های وسیعی بزنند که در مجموع سطح زندگی کارگران را در استانها رده بالا سطح نگه داشته است . اما آیا کارگران در این شرایط که برای بسیاری از کشورهای سرمایه داری مطلوب ترین شرایط و عالیترین سطح رفاه در سرمایه داری بحساب می آید ، زندگی راحتی دارند؟ بسیاری از کارگران که به شمال سوئد می آمدند که خود درگیر مبارزات کلاسی و بویژه برپای اتحادیه های وسیع کارگری در دهه های اول قرن بیستم بودند به سوئد سوئد دمکراسی به مثابه جا دو گرما می بینند که نمیتوان سرد آورد که چگونه توانست آنچه را که آنها با خون دل ورنج و مشقت در مقابل و علیه سرمایه داری بنیان گزاردم ، بتدریج به ساعات نهانی بی خونی در کنار ساعات نهانی بورژوازی و بر له قدرت سرمایه داری تبدیل کند . بسیاری از نویسندگان سوئدی این احساس کارگران را در تئورهای کوچک و بزرگ خود منعکس کردند . ادبیات دهه های ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ سوئد شامل یک دسته از نویسندگانی است که نویسندگان کارگری میشوند ، نویسندگانی که بهترین تصویر را از چگونگی اشکاس گسترش سرمایه داری در زندگی زحمتکشان ارائه داده اند . رفاه های سوئد دمکراتیک پایان حیات این مکتب در ادبیات سوئد بود و چندی طول کشید تا روندهای عمقی ناظر بر روابط طبقاتی خود را در زندگی روزمره کارگران ظاهر کند و کارگران با گوشت و پوست و خون خود آنرا احساس کنند . اما این در شرایطی بود که کارگران بکلی سلاح اصلی مبارزه طبقاتی ، یعنی سازمانهای رمنده خود را از دست داده اند . ملاتحت نفوذ فرهنگ سرمایه - داران در آمدند . در این دوره یعنی از نیمه دوم دهه پنجاه به بعد گروهی از روشنفکران مدرن به بیانگران برخی روندهای عمقی متناظر بر جامعه طبقاتی در مراحل پیشرفته سرمایه داری تبدیل شدند . امری که در تمام جوانی سرمایه داری پیشرفته قابل مشاهده است . البته لازم به تذکر است که به علت زوال تدریجی احزاب انقلابی پرولتری دیگر نسه

تا تعطیلی فرارسد، ماه‌ها را می‌شماردند... تعطیلات تابستانی و سال‌ها را می‌شمارند... یافتن شغل دیگری... پس بدین دلیل است که به مزاج روی آورده‌اند.

زیر نویس

۱- En orattvis btraktelse

۲- آنچه در مقدمه میان دو پیرا نترا آمده است به

نقل از کتاب اطلاعات در باره نویسندگان جدید

سوئد است.

۳- Indoktrineringen i Sveige

۴- Bokslut fran IM

ترجمه Bokslut در فارسی دشوار است و معمولا به

نوشته‌ای نهایی از کتاب اطلاق می‌شود.

۵- یک بررسی نهایی از مجموعه محتویات به عمل

نیاورد. در انگلیسی آنرا final accounts ترجمه

کرده‌اند و ما هم از همان استفاده کردیم.

۶- اشاره‌ای است به بی‌تفاوتی سوئدی‌ها.

البته این بنظر منطقی می‌آید اما مسس نمی‌دانم خود دیگر کارگران هم عقیده‌اند یا به عمق آنچه می‌گویند و آفتند... آنها می‌گویند البته آنچه در رابطه با کار مهم است این است که ساعت کار هر چه ممکن است زودتر تمام می‌شود... آنها می‌گویند این کاری که در دسترس است... کار در اینجا و اکنون بس در بخور نیست و باید یک جوری در رفت... آنها می‌گویند زمان زمان کار، تلف کردن ساعت زندگی است... دقیقه، روز به روز سال به سال.

وقتی که اکنون ارضاء کننده نیست به آینه دل می‌بندی... آنوقت می‌گردد تا آنجا که ممکن است چیزی پیدا کنی که به آن دل ببندی تا اکنون تورا در چنگال خشونت خود لهن کند... برای مثال ساعت ۸ صبح آدم شروع می‌کند به انتظار کشیدن برای استراحت ساعت ۹... ساعت ۱۰... انتظار نگاه‌ها را می‌کشد... ساعت ۱۲... انتظار رقیه و عمرانه است... وقتی قهوه را خوردی شروع می‌کنی به انتظار کشیدن برای اینکه ساعت زنگ بیاورد... کار را بزود بجزایرت عادت می‌شود که روزها با این امیدهای کوچک بمری.

از آنجا که اکثر کارگران ۵ روز هفته در کارخانه کار می‌کنند روز جمعه آن روز کار موعودی است که همه در طلب آنند... در شرایط کاملاً متفاوتی دوشنبه می‌توانست چنین روزی نباشد... ولی اکنون جمعه است که چنین حالتی دارد... در این روزها کارگران باجوری قوی تری می‌نوشند... لیکندهای بیشتری بر لب می‌بینی... آدم حتی کتا می‌سوزد... یا مادی خنده را می‌شود... حتی غذاها هم خوشمزه تر بنظر می‌آیند.

با وجود این اما آن چراغ امیدی که یکبار در هفته خاموش می‌شود کافی نیست... از این رو همین‌گونه نوا مبر بر سرد رویای کریمس آغاز می‌شود... همین‌گونه فوریه برسد... رویای عید پاک شروع می‌شود و هنوز چیزی از روز تعطیل بجا نمانده... مسیح به آسمان (۴ مه) گذشته که می‌دیده تعطیل در Pingstoday و نیمه ماه مه مثل ستاره صبح در سقف IM ظاهر می‌شود... در مورد مذهب بزحمت صحبتی در کارگاه نمی‌گردد... اما در مورد مقدسات مسیحی... همه از هم سبقت می‌گیرند... بی‌ویژه روز غسل Johannes در کارگاه تعطیلاتی که همه در حسرت آنند... تعطیلاتی که در پیشوازش خرد ریز و مداوم حرف زده می‌شود... ما تعطیلات صنعتی.

از آنجا که این بخش از آینه برای بیشتر کارگران سال‌های مربوط به احساسات است شوخی‌های تند در کارگاه و صحبت‌های درگوشی در راهروهای بخش اداری معمولی است.

تعطیلات تابستان، منظورت همان روزهای بارانی ژوئیه است که مورچه‌ها به نیش می‌زنند؟

شکر خدا که از جاده‌های لعنتی این باخبری نیست!

باید از متخصصان تفریحات سالم بخواهیم در طول جاده‌ها و راه‌ها هم ساعت‌های بزرگی بگذرانند و گرنه آنهم‌تند می‌گذرد.

ساعت تازه ۷/۸ صبح است؟ پس فقط نه ساعت مانده که بخانه برگردیم.

خوب شد که دوباره دوشنبه آمد!

ولی بیشتر آنهایی که در مورد این آینه مقدس شوخی می‌کنند، خود از جمله کسانی هستند که مشتاقانه دقیقاً را می‌شمارند تا ساعت بگذرد، روزها را می‌شمارند

عقب ترازان با شکر همت... تقریباً همیشه! اگر ساعت جلوتر باشد... محسوس می‌شود... اگر عقب‌تر باشد خوشحال... معمولاً ساعت جلوتر از آن چیزی است که من انتظارش را دارم... مشکل همیشه این است که آنقدر زمان در اختیار داشته باشی که کافی باشد... فکر می‌کنم بسیاری از روسا و مدیران و مهندسان و کارفرمایان و متخصصان نسبت به ساعت کارشان چنین حالتی دارند... هم‌میتوانست برای کارمندان عالی‌رتبه، مشاورانی که به مشاوره عشق می‌ورزند... مهندسانی که پروژه‌های بزرگی در دست انجام دارند... کارفرمایانی که خوب به وظایفشان آشنا هستند... حسابدارانی که با شتاب اضافی کار می‌کنند... متخصصانی که به علت نیاز زنده‌ی کارفرما خوابانده شده‌اند... چنین است برای همه کسانی که در سطوح مختلف از شغلشان لذت می‌برند... و آنها که عمدتاً در موقعیت بسیار عالی قرار دارند... هم‌میتوانست آنها که نسبت به میزان انجام کار دست‌مزد می‌گیرند... برای همه اینها به شادمانی یا با استرس زمان زود می‌گذرد.

ولی برای بیشتر کارگران، آنها که در کارگاه یا دفاتر کار می‌کنند، وضع بنحود بگیری است بنظر می‌رسد مشکل مداوم آنها این است که چه کنند در مسان بگذرد... البته گاهی برای خود در IM اتفاق افتاده است که زمان را فراموش کرده‌ام... مثلاً وقتی که بحثی در گرفته است... یا زمانی که باید مشکلی را حل می‌کردیم یا گاهی که چیزی غیر معمولی، حادثه‌ای اتفاق می‌افتاد... که مثلاً کسی به علت آنکه کارش را در کارخانه خاموش کرده است به شیرینی خوران دعوت کرده باشد و غیره... ولی در غیر این صورت زود به زود به ساعت نگاه می‌کردم و وقتی به آن نگاه می‌کردم آرزو می‌کردم که ساعت جلوتر از آن باشد که هست... تقریباً همیشه! معمولاً ساعت جلوتر از آن چیزی بود که من انتظارش را داشتم... عقربه‌ها به زحمت جلو می‌خیزند... برخی روزها بنظر می‌آمد که املاً ایستاده‌اند... بسن فقط مختص ساعت من نبود... آنها هم که در جایی نشسته بودند که یک ساعت دیواری درست در مقابل چشمهایشان بود... می‌گفتند این هم شکلی از شکنجه است... حتی شایسته‌ها آنها را دچار شکنجه و وحشت می‌کرد.

بیشتر کارگران که در نزدیکی من کار می‌کردند شواقی داشتند... بهترین روزهای کار... روزهایی است که زمان به سرعت می‌گذرد و زمانی وقت زود می‌گذرد که کار زیاد داشته باشی که انجام بدهی... نه آنقدر زیاده که در کار آلوده وجود دارد.

او (Otto) می‌گفت:

آنوقت آدم نه با خودش نه با زمان نمیتواند تنها بیاید... متعادل از همه بهتر است.

چطور متعادل؟

یک جریان متوازن کار... آدم با بد وقت پیدا کند که افکارش جریان پیدا کند... تقریباً مثل وقتی که رانندگی می‌کنی... اگر با کارت تکمیل بشوی... خودت را سبک احساس می‌کنی... زمان به آرامی جریان می‌یابد... اما با بد متعادل باشد... می‌خواهم که به روزنامه نگاه کنم... میان هر دوره کار کمی صحبت کنم و گرنه نفس برخواهد بود... اما با بیست کاری در میان باشد که آن ساعات طولانی را بکشی.

آفتادگی آموزا گرط لب فیضی

جمعی از باستانی کاران ایرانی در آلمان غربی... یکشنبه بیست و هشتم ماه مه... نمایش از ورزش باستانی و گونه‌گونی آن در سالن‌ها و سالن‌ها... فراتر از کفورت به اجرا درآوردند... این برنا مه که باید در "جهان پهلوان خشتی" برگزار کردید... متأسفانه مورداً استقبال را نگرفت... بی‌تردید عدم آگاهی و تبلیغ بموقع و وسیع در این عدم استقبال نقش داشته است... همین برنا مه در تاریخ ۲۵ یونی (ژوئن) در "بورگر سنتر" کلن برگزار خواهد شد.



بولتن مباحثات کنگره

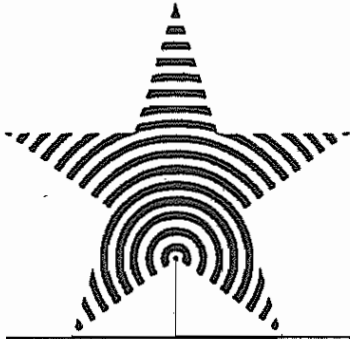
سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگرا

توضیح: دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان در باره بولتن مباحثات کنگره

عبارت اولی از جمله بولتن‌ها... در مورد بولتن مباحثات کنگره... در باره کار و آموزش... در باره کار و آموزش... در باره کار و آموزش...

جایگاه مبارزه ایگولونیک علیه دشمنان... منتشر شده است... ۱- انقلاب پروری... ۲- مبارزه با دشمنان... ۳- مبارزه با دشمنان... ۴- مبارزه با دشمنان...

با کمک‌های مالی خود سازمان را در امر مبارزه انقلابی یاری رسانید



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران در راه کارگر

برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه

ردیف ۷۵ متربرابر با ۲ مگاهرتز پخش میشود

این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار میگردد

جمعه های برنامه ویژه پخش میشود

برنامه های صدای کارگرویزه کردستان:

۶ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت

۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج

کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش

میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه

شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد

۶ جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه

پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر

جمعه تکرار میشود



رژیم در تدارک قتل عام دیگری در زندانهاست
از جان زندانیان سیاسی دفاع کنید!

کارگران و زحمتکشان! مردم آزاده ایران!

با هر ضربه گاری که به رژیم اسلامی وارد می آید، جلادان حاکم در وحشت فروپاشی قریبالوقوع حاکمیتشان، به انتقامی سفاکانه و خونین از زندانیان سیاسی دست میزنند. طبق اخبار دریافتی، از جندی بیش که روند بیماری شدید خمینی، مرگ فوری وی را برای حکومتیان قطعیت داده بود، شیر زنان زندانی را به سلولهای انفرادی انتقال داده و برای وادار کردنشان به "توبه و تعیین تکلیف نهایی" شکنجههای وحشیانه علیه آنان را افزایش دادند؛ و نیز بسیاری از زندانیان سیاسی را که طی چند سال اخیر، آزاد شده بودند، مجددا دستگیر کرده و به سلاخ خانه های فقهائی کشانند. همچنین خانوادههایی که در روز سیزدهم خرداد، برای ملاقات زندانیان سیاسی مرد، به زندان اوین و برخی زندانهای دیگر مراجعه کرده اند، با ممنوعیت ملاقات روبرو شدند. درخیمان در پاسخ خانوادهها که تعیین روز ملاقات را خواستند، آنها را به آینده نا معلوم موکول نمودند. علاوه بر این، "دایی جلیل" یکی از سر شکنجه گران اصلی رژیم در اوین، اظهار داشته که تا پایان خرداد ماه، تکلیف همه زندانیان سیاسی تعیین خواهد شد؛ آنان که توبه میکنند و مشمول عفو قرار میگیرند، آزاد میشوند، و آنان که اعلامی اند، اعدام خواهند شد.

این روند و این سخنان درخیم هار اوین، درست به روندی که به قتل عام هولناک فرزندان دلاور شما طی چند ماه اخیر در زندانهای سراسر کشور انجامید و نیز به اظهارات انصاری، رئیس سازمان زندانهای کشور در شهریور ماه گذشته، میاند. انصاری جلاد نیز در شهریور ماه گذشته، طی صحیفهای با مطبوعات رژیم، همین عبارات جنون آمیز و فاشیستی ای را که امروز "دایی جلیل" اعلام میکند، اظهار داشت و بلافاصله، جوی خون فرزندان اسیر شما در زندانهای سراسر کشور جاری شد. آنها هم، رژیم، شکست خورده در اهداف پان اسلامیستی اش در جنگ، به انتقام از شما و پیش از همه از فرزندان دلاور و بی دفاعتان در زندانها روی آورد، و اینک نیز در جریان شدت یابی بیماری خمینی و مرگ او، با از دست دادن تیرک خیمه جمهوری فقا، انتقام خونین دیگری را از زندانیان سیاسی تدارک مینماید؛ تا آن تعداد از اسرای انقلابی را که در قتل عام اخیر، اعدام نشدند، از دم تیغ بگذرانند. آنها هم، رژیم، بیناک از آینده خود وحشتزده از احتمال خیزش سراسری تودهها، کوشید پیشروان طبیعی جنبش انقلابی را قتل عام کند، و اینک نیز در وحشت انفجار گریزناپذیر سراسری میکوشد، سراسیمه به سنگر بیدفاع فرزندان در بند شما بپوشد و حمام خون دیگری در زندانها به راه اندازد.

مردم آزاده ایران!

تا این رژیم، برجاست، فریاد حق طلبی زندانیان سیاسی که فریاد آزادی خواهی شماست، با سرب داغ و طناب دار در گلوئ خونین فرزندان دلاور در بندتان گره میخورد. مرگ خمینی، به مرگ رژیم اسلامی تبدیل نمیشود، مگر آنکه در این جنگ سرنوشت و این موقعیت حساس، با تمام نیروی انباشته در کینه و خشم سالیان، متحد و یکپارچه، رویاروی تاجم وحشیانه و سراسری گرگ هار و زخمی رژیم اسلامی برخیزید. تاجم رژیم اسلامی به شما، همچون تمامی دورههای حساس گذشته، از تاجم خونین به سنگر بیدفاع زندانیان سیاسی آغاز میشود؛ و دفاع شما از زندگی و هستی خود و مبارزه تان برای سرنگونی رژیم اسلامی، قطعا در گام نخست در دفاع متحد و سراسری از زندانیان سیاسی و رویارویی با تاجم خونین جلادان فقیه به زندانیان سیاسی، تیرک خیمه رژیم اسلامی با مرگ خمینی، درهم شکسته شده است. با دفاع از جان زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی پیشروان پاکبخته جنبش انقلابی تودهای زمان، فرو ریختن کامل این خیمه سیاه را هر چه نزدیک تر سازید.

مدیر خانه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۴ خرداد ۶۸

برای اشتراک نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) فرم زیر را پر کرده همراه با مسا معادل هزینه اشتراک، رسید با نگی پرداخت ویا وجه نقد به آدرس زیر ارسال نمائید.

نام نشریه	مدت اشتراک	اروپا	آمریکا و سایر نقاط با پست هوآشی
راه کارگر ارگان سیاسی سازمان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۵ مارک ۵۰ "	۲۱ مارک ۶۲ "
پیام کارگر ارگان کمیته خارج از کشور (۱۵روزه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۸ مارک ۵۶ "	۲۳ مارک ۶۶ "

آدرس:

شماره حساب بانکی:

Postfach 650226
1 BERLIN 65

H- Soltanzadeh
Deutsche Bank Berlin
Bankleitzahl - 10070000 -
Konto-Nr: 5208533

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65

با پیام کارگر همکاری کنید!